

MADDE YAYIMLANDIKTAN 02 Temmuz 2018  
SONRA GELEN DOKÜMAN

3136

Tabiat  
190056

DI MARTINO, Carla. I «Meteorologica» di Avicenna. *Cosmogonie e cosmologie nel medioevo: atti del Convegno della Società Italiana per lo Studio del Pensiero Medievale (S.I.S.P.M.), Catania, 22-24 settembre 2006*. A cura di Concetto Martello, Chiara Militello e Andrea Vella. Louvain-la-Neuve: Fédération Internationale des Instituts d'Études Médiévales, 2008, (Textes et Études du Moyen Âge, 46), pp. 35-46. On his treaty on earth sciences *Risālat al-ma'ādin wa-'l-āthār al-'ulīyah*, in *K. al-Shifā'*.

روم، ۲۰؛ وحی، ۷۱؛ الرحمن، ۱۴). و مراد از خلق در این آیات، خلق ابتدایی است که در آن آدم را از گل، آفریده و آنگاه او را از نطفه قرار داده است.

از حضرت امیرالمؤمنین (ع) نقل شده است که خداوند آدم ابوالبشر را از رویه زمین بیافرید که بخشی از گل آن سبغ (شوره زار) و بخشی نمک و بخشی دیگر پاک و پاکیزه بود از این رو نسل آدم، آمیزه‌ای از شایسته و ناشایسته است. مالک بن دحیه گوید: ما جمعی در خدمت امیرالمؤمنین بودیم که سخن از اختلاف مردم در خوی و خلق به میان آمد. حضرت فرمود: آنچه باعث اختلاف و تفاوت آنها شده همان طینت و سرشت نخستین آنها می‌باشد، چه آغاز آفرینش آنان مشتی خاک بوده که از شور و شیرین و دشت و کوه فراهم شده بود (بحارالانوار، ۹۴۱۶۷). از امام صادق (ع) پرسیدند که آیا جسد میت می‌پوسد و از بین می‌رود؟ فرمودند: آری، تا جایی که گوشت و استخوانی بر آن نمی‌ماند مگر طینتی (خاکی) که از آن آفریده شده باشد. پس آن از بین نمی‌رود و در گذر زمان همچنان می‌ماند تا زمانی که انسان دوباره مانند بار اول از آن خلقی شود.

اسحاق ابن عبدالله بن سعد الاشعری از امام باقر (ع) نقل می‌کند که فرمودند: ای اسحاق از آنجا که خدا تنها یکتا بود، اشیاء را شروع به خلق کرد پس آب گوارایی بر زمین پاکی جاری ساخت به مدت هفت شبانه روز، سپس آب از آن فرونشست و مشتی از قسمت ناب و خالص آن گل، برگرفت و آن طینت و سرشت ما اهل بیت است. پس مشتی از قسمت پست تر گل برگرفت و آن طینت پیروان ما است. پس خداوند ما را برای خود برگزید. خداوند آب شوری بر زمین لعن شده‌ای جاری ساخت به مدت هفت شبانه روز و سپس آب فرونشست پس مشتی از آن برگرفت و آن طینت لعن شده بود از گل بدبو، آن طینت دشمنان ما است.

در مجموع مراد از طینت اساسی ترین و ابتدایی‌ترین لایه شخصیت و سرشت و طبیعت آدمی است که از آن به عنوان خمیره آدمی هم یاد می‌شود.

منابع: مرآة العقول، ۱۰۱۳؛ حدیث ۷؛ تفصیل فی العلل، ۱۶۷؛ دایرة المعارف الشیعیة العامة، اعلمی حائری؛ معارف و معارف، حسین دشتی، ۱۴۳۲؛ تفسیر المیزان، علامه طباطبائی؛ لغت نامه دهخدا.

محمد حسن سعیدی

### طیور الصيد ← بیزره، بازیاری

تفسیر مفاتیح الغیب، رازی، ۱۶/۲۷، ۱۹۸/۲۴؛ تفسیر من وحی القرآن، محمد حسین فضل الله، ۲۰۷/۱۷؛ تفسیر نورالثقلین، حویزی، ۸۸/۴؛ تاج العروس، مرتضی الحیسی، ۲۲۹/۱۰؛ بحارالانوار، علامه مجلسی، ۱۴۲/۳۹، ۷۸/۴۶، ۲۷۹/۶۹، ۲۸۶/۵۲، ۳۹۱/۵۰؛ شرح المصطلحات، الکلامی، ۲۰۰؛ شرح تجرید العقائد، قوشچی، ۱۴۹؛ دائرة المعارف، بستانی، ۳۹۰/۱۱؛ لسان العرب، ابن منظور، ۱۱۵/۱، ۱۸۱/۵؛ کامل الزیارات، ابن قولویه، ۶۰؛ الکواکب الدرریة فی تراجم السادة الصوفیة، ۶۵۱/۱، ۱۹۳/۲، ۳۴۱/۲، ۱۲۵/۳؛ شرح التمرغ لمذهب التصوف، ۹۵۶/۳ به بعد؛ کشف المراد، خواجه نصیرالدین، ۲۷۵؛ لغتنامه دهخدا، ۳۷۷/۲۲. غلامعلی یعقوبی

### طیاریه ← فرق

### طی الزمان ← طی الارض

### طیغیه ← فرق

### طی المکان ← طی الارض

طینت، اندکی از گل، طبیعت، سرشت، خوی، ذات، نیت، ماده، مقیاسی از تقدینة طلا (یک طینه طلا مساوی ۱۶ ماشجه و هر ماشجه مساوی است با ۴ دانگ طلا).

طینت از طین گرفته شده و آن خاکی است مخلوط با آب به گونه‌ای که یک شیء واحد شده باشند. به عبارت دیگر معمولاً گلی است که از خاک یکدست و نرم مانند خاک رس تهیه می‌شود که هم نرم و یکدست است و هم چسبنده. حسب آیات و روایات ماده اولی که خلق ابتدایی انسان از آن صورت گرفته است، خاک یا به عبارتی گل بوده است. طینت به معنای گل و خمیره و خمیرمایه هم به کار می‌رود.

انسان، وجودش محدود است از یک طرف به گل که ابتداء خلقت نوع او از آن است اگر چه بقای نسلش به وسیله ازدواج و تناسل بوده باشد (انعام، ۲)، همچنانکه در قرآن آمده: ... وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِن طِينٍ، ثُمَّ جَعَلْنَاهُ مِنْ سَلَالَةٍ مِّن مَّاءٍ مَّهِينٍ = ... آغاز کرد خلقت انسان را از گل آنگاه قرار داد نسل او را چکیده آبی بی ارزش (سجده، ۸ و ۷) و یا فرموده است: ... أَنَا خَلَقْنَا هُم مِّن طِينٍ لَّازِبٍ = آنها را خلق کردیم از گل چسبنده (صافات، ۱۱). کلمه لازب به معنای دو چیز به هم چسبیده است به طوری که هر یک ملازم دیگری شده باشد. در کلیه آیات کریمه قرآنی ابتداء خلقت انسان از خاک و انواع گل بیان شده است (حجر، ۲۶؛ مؤمن، ۱۲؛

29 Haziran 2018

İMADDE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN

کز قرب حریمش شرف افزوده حرم را  
در عهد جوانبختی عدل تو عجب نیست  
گر بیر فلک راست کند قامت خم را ...

و یا در مدح امیرالمؤمنین (ع) و اظهار اشتیاق به زیارت آن بزرگوار سروده است:

ای خداوندی که در گیتی مثل شد در سخا  
تا ابد از دولت دست و دلت بحر و سحاب ...  
حرفی از جودت صدف را گوشزد گشت و همان  
خویش را از شرمساری می کند پنهان در آب  
گاه احسان چون در آری دست همت از بغل  
روز میدان چون در آری پای دولت در رکاب  
می رسد از هیبت تو ناله دشمن به چرخ  
می شود از همت تو خانه معدن خراب ....

منابع: دیوان طیب اصفهانی، تصحیح و نگارش مظلوم، کی فر؛ رساله در شرح حال طیب اصفهانی، سمعی؛ مجمع النصحاء، هدایت، ۳۴۰/۲؛ الذریعة الی تصانیف الشیخ، شیخ آقا بزرگ، تهرانی، ۹ - ۶۴۴/۲؛ ترجمه تاریخ ادبیات ادوارد براون، رشید یاسمی، ج ۴؛ لغت نامه دهخدا؛ قاموس الاعلام، ترکی.

طبیعت، مبدأ تغییر در هر گونه متغیر طبیعت برای حرکتی که ذاتاً در خود دارد و نیز برای سکونی که با لذات دارد، مبدأ نخستین است. گاه به عنصر و صورت ذاتی حرکت ناشی از طبیعت، به صرف مشابهت نام، طبیعت گفته اند. پزشکان واژه طبیعت را در مورد مزاج و حرارت غریزی به کار می برند و نیز هیأت اعضاء و حرکات و نفس نباتی را هم طبیعت گفته اند.

طبیعت نیروی پراکنده در اجسام است که هر موجودی می تواند توسط آن به کمال طبیعی خود نایل شود. طبیعت از حیث مبدئیتش برای حرکت، مبداء فاعلی نیز محسوب می شود. طبیعت شیئی، ماهیت شیء است که عبارت از مجموع خواص نوعی که موجب تمایز شیء از دیگر اشیاء می شود، مثل طبیعت حیات، طبیعت نفس و طبیعت فرد و جامعه. بنابراین طبیعت هر چیز به رشد و تغییر آن نیز باز می گردد. طبیعت نوعی، مجموع صفاتی است که موجب تمایز نوع می شود. همچنین گفته اند که طبیعت عبارت از صفات فطری است که موجب تمایز انسان است. طبیعت بدین مفهوم در مقابل صفات اکتسابی است. گاهی طبیعت به معنی صورت نوعیه شیء است، و در این صورت می توان از طبیعت انسانی و طبیعت حیوانی و طبیعت هر شیء سخن گفت. مقصود از صورت نوعیه آن چیزی است که مبداء تمام صفات و خصوصیات

یک نوع است. به این معنی، افعال حیوانی، نباتی و انسانی، طبیعی نامیده شده اند. طبیعت در این انواع، خصوصیات دارد که اگر او را از محیطش جدا کنند که ناهماهنگ باشد، برای کسب وضع جدید، فعالیت می کند. برخی طبیعت را قوه دانسته اند که در خارج موجود است و آنچه به حسب نوع، کلی است از افراد، ساری است و کلی مطلق در کل ساری است. برخی نیز آن را از آغاز یکی دانسته اند از این حیث که به انقسام کل، منقسم می شود. نیز گفته اند، طبیعت به وجه جزئی، قابل اعتبار است و آن طبیعت مخصوص به هر فرد است که وجه کلی آن دو قسم است: الف) کلی به حسب نوع؛ ب) کلی مطلق. هیچ یک از این دو قسم، وجود خارجی ندارند، زیرا ذهنی اند. هر چیزی که مقتضای طبیعت ذاتی یک شیئی باشد هرگز از آن جدا نمی شود مگر این که طبیعت به طور کلی نابود شود این فرض مبتنی بر دو اصل است: ۱) مقصود از طبیعت ذاتی، ذاتی باب ایساغوجی است به مفهوم این که چیزی عین ذات یا جزء ذات شیء باشد؛ ۲) طبیعت ذاتی، به مفهوم ذاتی باب برهان یعنی چیزی که عین ذات یا جزء ذات یا لازم ذات شیء باشد. مقصود در جمع این دو اصطلاح اقتضای دوران نخستین طبیعت است. ابن سینا گوید: هر جزئی از اجزاء حرکت که از طریق تقسیم زمان یا مسافت حاصل شود ممکن است از نفس طبیعت جدا گردد در حالی که خود طبیعت نابود نمی شود. حرکت و طبیعت قابل انفکاک از یکدیگر نیستند. طبیعت به خودی خود حرکت می دهد نه به تسخیر قاسر (اجبار) و همچنین متحرک، به ذات خود حرکت می کند نه به سبب خارجی و گاهی طبیعت در برابر صنعت به کار می رود و در این صورت، طبیعی به معنی چیزی است که در آن دست و فکر انسان، تأثیری نداشته باشد. بنابراین طبیعت، یک چیز ماشینی و صنعتی نیست. در صنعت، پیوند میان طبیعت ها است بدون این که یک وحدت طبیعی میان آنها به وجود آمده باشد و نیز بدون این که طبیعت واحد، آنها را استخدام طبیعی کرده باشد.

در حکمت قدیم، طبیعت، مبدأ ذاتی و درونی حرکت و سکون و افعال در اجسام بوده است. مثلاً اگر جسمی به بالا پرتاب شود، حرکت آن به سوی بالا از مبدأ طبیعت نیست زیرا نیروی قوه خارجی آن را پرتاب کرده است و این حرکت طبیعی نیست بلکه قسری (اجباری) است. نیروی خارجی که جسم مذکور را به بالا می راند، اگر تمام شود جسم به سوی پایین حرکت خواهد کرد و این حرکت به پایین و به سوی مرکز زمین طبیعی است زیرا مبدأ آن طبیعت جسم است که در ذات و درون آن است نه در خارج آن. همچنین گفته اند طبیعت آب سرد است، زیرا گرمای آب از یک قوه خارجی (مانند آتش یا آفتاب) است، و اگر آن شیئی

7430 RAPHAEL, Sarah Kate. *Climate and political  
climate: environmental disasters in the Medieval  
Levant*. Leiden: Brill, 2013 (Brill's Series in the  
History of the Environment, 3). 211 pp. The  
twelfth and thirteenth centuries in the Levant saw a  
substantial rise in the number of droughts. *Tabiat*  
190056

01 Mayıs 2018

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

824 MEYER, Birgit. Habitats and habitus: politics and  
aesthetics of religious world-making. *Orient  
Tabiat* *Bulletin: History, Society and Culture in Asia, the  
19056 Middle East and Africa*, 23 (2012) pp. 2-3.  
Developing research that places Christian and Islamic  
movements in one framework.

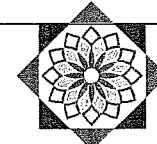
01 Mayıs 2018

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN



اعمال ندوة تطور العلوم الفقهية

# الفقيه الحضري، فقير العمارة



Türkiye Diyanet Vakfı İslam Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	239859
Tas. No:	297-5 AMAN

16 Ekim 2016

المنعقدة خلال عام:  
1431هـ - 2010م

1433/2012 Uman

## حماية الأرض والثروات الطبيعية من زاوية الملكية العامة والخاصة

د. علي بن هلال بن محمد العبري  
أستاذ بجامعة السلطان قابوس، سلطنة عُمان

Tubiat  
190056  
Yer  
220186

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
مقدمة

تتبوأ عمارة الأرض مقصداً أساسياً وهدفاً أصيلاً في الشريعة الإسلامية، نظراً لما في هذا المقصد من ارتباط بالغاية من خلق الإنسان، ووجوده في الأرض ومعاشه فيها، وهي عبادة لله ﷻ، ولهذا كانت عمارة الأرض ممّا اختصّ به الإنسان من بين سائر المخلوقات من حوله ووجد لأجله، ولولاه ما وجد<sup>(1)</sup> وذلك ما يدلّ عليه قوله تعالى: ﴿هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾ [مود: 61].

فقد خلق الله تعالى الأرض وهيأها للحياة والعمارة، فخلق فيها مخلوقات كثيرة، وجعلها أجناساً متعددة، وعلى هياكل مختلفة، فقال تعالى - ممتناً على عباده في معرض بيان قدرته ﷻ: ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ \* وَمِنَ النَّاسِ وَالْدَّوَابِّ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ، كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّكَ اللَّهُ عَزِيزٌ غَفُورٌ﴾ [فاطر: 27، 28]، قال صاحب الكشاف: «﴿أَلْوَانُهَا﴾ أجناسها من الرمان والتفاح والتين والعنب وغيرها ممّا لا يحصر أو هياكلها من الحمرة والصفرة والخضرة ونحوها»<sup>(2)</sup>.

وقد وردت كلمة «مختلف ألوانها» في الآية ثلاث مرّات، ممّا يدلّ على كثرة كلّ قسم من هذه الأقسام من حيث أجناسها ومن حيث هياكلها، ومن حيث خصائصها ومن حيث وظائفها، فإن اختلاف الأجناس والخصائص يوحي باختلاف الوظائف التي لا تقف عند بيان القدرة الإلهية فحسب، بل تتعدى إلى توجيه الإنسان بأن يبذل قصارى جهده لاستثمار كلّ هذا التباين في الخصائص، وبمقدار ما يبذل من جهد فكري وعلمي في التعامل مع هذه النعم، فإنها تتفق له في شأياها عن نعم

(1) الأصفهاني، الذريعة إلى مكارم الشريعة، ص 90.

(2) الزمخشري، الكشاف، 274/3.

27 MAYIS 2011

0382 Al-Ṭā'ī, Muḥammad Bāsil  
Daqīq al-kalām : al-ru'ya al-islāmīya li-  
falsafat al-ṭabī'a / Muḥammad Bāsil al-  
Ṭā'ī. - Ṭ. 1. - Irbid (Jordania) : 'Ālam al-  
Kutub al-Ḥadīth, 2010. - 321 p. : il. ; 24  
cm

Bibliografia: p. 303-310. - Índices. -  
"1431 h."—Contraport.

ISBN 978-9957-70-292-2

1. Filosofía islámica – Historia
2. 'Ilm al-kalām I. Título.

1:297(091)

ICMA 4-32289 R. 70631

Tabiat  
-  
Kalam

- 168 FAZILI, Latif Ahmad. Qur'anic perspective on ecology. *Challenges to religions and Islam. (A study of Muslim movements, personalities, issues and trends.)* Ed. Hamid Naseem Rafiabadi. Delhi: Sarup, 2007, pp.636-656. Tabiat  
190056

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

27 Nisan 2014



D.1167



1 Eylül 2015

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

الموضوع الحادي عشر  
البيئة والحفاظ عليها  
من منظور إسلامي

Temizlik (190678)  
İsraf (091874)  
Hayvan (080980)  
Ağaç (010736)  
Yer (220186)  
Ziraat (230308)  
Sihhat (180989)  
Âlem (011365)  
Hisbe (081290)

Maden (130038)  
Makasidü's-Seria (130192)  
İhtlaf (092057)  
Keun ve Fesad (111084)  
Zarar (230063)  
Su (181226)  
Tabiat (190056)

۳۰۹ - ۱۲۱۵

مجلة

مجمع الفقه الإسلامي الدولي

الدورة التاسعة عشرة

لمؤتمر مجمع الفقه الإسلامي الدولي

العدد التاسع عشر

طبع على نفقة

الأمانة العامة للأوقاف بالشارقة

الإمارات العربية المتحدة

www.awqafshj.ae

الجزء الخامس

**190056**

**TABIAT**

- 
- 1 AYŞEN GÜNEY, İslamiyet ve Hıristiyanlıkta tabii çevre ve toplum ilişkileri, Sakarya Üniversitesi, Yüksek Lisans, 2008

---

  - 2 İLHAMİ DOĞAN, İbni Sina' nın doğa felsefesi, Erciyes Üniversitesi, Yüksek Lisans, 2005

---

  - 3 RAMAZAN YILDIRIM, Şehrezurin'in tabiat felsefesinde Nefs teorisi, Marmara Üniversitesi, Yüksek Lisans, 2005

Richard M. Frank

Classical Islamic Theology:  
The Ash'arites

Texts and Studies on the Development  
and History of Kalām, Vol. III

Edited by Dimitri Gutas

Türkiye Diyanet Vakfı İslam Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	222463
Tas. No:	297.47 FRA.C

Hampshire  
2008

ASHGATE  
VARIORUM

NOTES AND REMARKS ON THE ṬABĀʾĪ  
IN THE TEACHING OF AL-MĀTURĪDĪ

Though the importance of the theology of al-Māturīdī to the course of the history of Islamic theology may be questioned — his followers tended to remain in the eastern provinces where the school originated and his wider influence and repute were scant enough that Ibn Ḥazm, al-Šahrastānī, and Ibn Ḥaldūn do not trouble to mention him in their accounts of the schools of *kalām*<sup>1</sup> — he is nonetheless one of the most interesting of all the *kalām* theologians. Even apart from its inherent interest as a major attempt to formulate an Islamic theology, his doctrine is of considerable importance for our understanding of the history of the *kalām* in the definitive period of its formation in that it manifests a unique combination and synthesis of the diverse elements and traditions out of which various thinkers had been, with greater success and less, trying to formulate a theology congenial to Islam's sense of its own belief.

One finds often repeated the assertion that al-Māturīdī's thought is more akin to that of the Mu'tazila than that of al-Aš'arī<sup>2</sup> but there has been almost no detailed investigation of any of the formal theoretical elements of his thought so that the character and background of his theology and its relationship to the other traditions of sunnī *kalām* remain on the whole obscure. Even a superficial reading of the *Kitāb at-Tawḥīd*, however, makes it clear that the author is, to

<sup>1</sup> Cf. D. B. McDonald, art. «al-Māturīdī» in *EI*. Modern scholarship has given him correspondingly little attention, his major works remaining altogether unpublished until several years ago.

<sup>2</sup> Cf., e.g., J. Schacht, "New Sources for the History of Muhammadan Theology". *Studia Islamica* 1 (1953), 35.; L. Gardet and G. Anawati, *Introduction à la théologie musulmane* (Paris, 1948), 60f.; and A. Ali in M.M. Sharif, *A History of Muslim Philosophy* (Wiesbaden, 1963), 295 ff. pass. Though detailed research remains to do, it would seem that these estimates rather neglect the very close relationship that exists between the Aš'arite systems and the Baṣra School of the Mu'tazila, a kinship that becomes all the more apparent as one reads al-Māturīdī. Whatever background he shares with or derives from the Mu'tazila is to be sought more with al-Ka'bi and the background of the Baghdad tradition than with the Basrian school of abū Hāšim and his followers.

Tabiat  
130056  
Maturidi  
130435

22 Eylül 2014

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

الدكتور  
محمد أبو المجد غنغ البسيوني

ببليوجرافيا الرسائل العلمية  
في الجامعات المصرية منذ إنشائها  
حتى نهاية القرن العشرين  
الأدب العربي، واللغة والنقد الأدبي

3668 - مشاهد الطبيعة في القرآن الكريم وعلاقتها بالإنسان : دراسة تأملية وتحليلية وأدبية /  
سليمان عبد الله موسى أبو عزب / د 1988 ج . الأزهر ، ك . اللغة العربية  
بالتاهرة ، ق . الأدب والنقد .

م	ماجستير	د	دكتوراه	ج	جامعة
ك	كلية	ق	قسم	ش	شعبة
ا	إشراف	س	ميدانية	ت	محررة

القاهرة ت  
الطبعة الأولى  
1422 هـ - 2001 م

190056 TABIAT

38870 69

داود ( أنس )  
DĀWUD ( An as ).

الطبيعة في شعر المهجر ، أنس داود .

- Le Caire, al-Dār al-qawmiya li al-ṭibā'a wa al-nāṣr, s.d.-In-16 (19cm),  
184 p., couv. ill. en coul. [Acq. 4815-69]

[16° Ya. 358  
1

( Tabī'a [ al- ] fi ṣi'r al-mahjār . )

Poésie arabe. 19e s. (fin)- 20e s.  
Poètes émigrés. Amérique. Nature  
(sentiment de la ). Textes. --

Nature (sentiment de la ). Poésie  
arabe. 19e s. (fin) - 20e s. Poètes  
émigrés. Amérique.

الطبيعة في القرآن الكريم ( يولييه 1967 )  
قاصد ياسر الزبيدي ( إشراف : أ . د . مصطفى الشكعة )  
Kur'an'da Tabiat

كلية الآداب قسم اللغة العربية وآدابها ،

بجامعة عين شمس البعث العربي  
1970 - 1970 . الجريدة رسالة الماجستير والدكتوراه .

الجزء الأول رسالة الماجستير 6 مطبوعه جامعه عين شمس 1972

ICICA: 9650/1

HAZIRAN 1996

R631 Religion and the order of nature / Nasr, Seyyed  
Hossein. New York, 1996

Arif, Nasr. *American Journal of Islamic Social*

*Sciences*, 14 ii (1997), pp.290-295 (E)

Jameelah, Maryam. *Muslim World Book Review*, 18 iii

(1998), pp.43-44 (E)

Hanif, Ismail al-. *Social Epistemology*, 12 iv (1998),

pp.345-349 (E)

Mayet  
Tabiat

274 RASHED, Marwan. Natural philosophy. *The*

*Cambridge companion to Arabic philosophy*. Edited

by Peter Adamson and Richard Taylor. Cambridge:

Cambridge University Press, 2005, pp.287-307.

[Natural philosophy, or physics, in classical Islam.]

HAZ 2005

236 MONASTRA, Giovanni. Seyyed Hossein Nasr:  
religion, nature, and science. *The philosophy of Seyyed*  
*Hossein Nasr*. Ed. Lewis Edwin Hahn, Randall  
E.Auxier, Lucian W.Stone. Chicago: Open Court, 2001,  
(The Library of Living Philosophers, 28), pp.493-518.  
[With response from Seyyed Hossein Nasr, pp.512-518.]

Mayet  
Tabiat

KHAN, Majid Ali. Nature of life in bi-  
ology and in Islam. *Islam and the modern*  
*age* 7ii(1976), pp. 42-63.

Biyojij de se Islam'da tabii hayat.

HAZIRAN 1993

Bestell-Nr./Standard  
25 A 9665

TABIAT  
CAHILIYYE

Qaisi, Nuri Hammūdi al-. *At-Tabī'a fī 's-bi'r al-*

*ḡhili*. (Tabī'a 2.)

(Bairūt:) 'Ālam al-Kutub ; Maktabat an-Nahda al-

'Arabīya (1404 = 1984). 410 S.

[Arab.]

Zugl.: *Kairo*, Univ., Diss., 1965

[Das Naturgefühl d. Araber vor d. Islam u. dessen

künstlerischer Ausdruck in ihrer Dichtung.]

29 TEMMUZ 1992

Tabiat ilimleri

(Ilm. Tar.)

- Resaili İhvanis-Safa,  
- Madde, hareket, zaman, mekân  
- Göz ka'bahaları II, 24-49  
- Oluş-özüş II, 52  
- Madenlerin oluşumu, 87  
- Tabiatın mahiyeti, II, 132-138  
- Bitki ünsleri, II, 160-177  
- Hayvanlar alemi, II, 178-173

METAPHYSICS

110  
BU.I

Buvaraq, Emile

('Ilmi maba'da al-tabi'a)

علم ما بعد الطبيعة / تأليف شهيد بواراق :  
ترجمه فرید - استانبول : سبیل الرشاد کتبخانه سی  
۱۳۴۳ - ۱۳۴۱ هـ

129 p.; 19,5 cm.

Text in Ottoman Turkish

1139

I. Metaphysics 2. Philosophy I. Farid (tr.)  
II. Author (Arabic) III. Title IV. Title (Arabic)

15 MAYIS 1995

المجموعات، الأسفار، الرحلات  
الإستكشافية  
محمد، هاشم أحمد . (٢٥٤)  
علم الطبيعة / هاشم أحمد محمد  
[1998] - القاهرة : هلايوك شوب ،  
141 ص : 20 سم . - (سلسلة  
علوم وعلماء)  
يشتمل على إرجاعات بيلوجرافية  
(ص 140)  
تمك 3 - 201 - 276 - 977  
ك ٢٥٩.٥ - ٢٥٩.٦ - ٥.٨

Tabiat

01 EYLUL 2001

190056 TABIAT 85-962130

Qaysi, Nūrfi Ḥammūdf.  
(Ṭabī'ah fī al-shi'r al-Jāhili)

الطبيعة في الشعر الجاهلي / نوري  
حمودي القيسي . - الطبعة 2 . -  
بيروت : عالم الكتب : مكتبة النهضة  
العربية ، 1984 .

410 p. ; 25 cm.  
Bibliography: p. 395-408.  
£E7.50  
(On pre-Islamic Arabic poetry  
related to nature)  
LAS-Lang.

27 KASIM 1993

TABIAT İLMI

Bernard, Maria  
La critique de la nation  
de nature (TAB<sup>o</sup>) par le kalām.  
Studia Islamica. c. 51, s. 59-105,  
1980 (Paris)

Not: Bu makale "BAKILLANI"  
postindedir.

Tabiat (Kelâm)  
Amidi, Mubîn, s. 94.

190056 TABIAT  
وصف الطبيعة في الشعر السعودي منذ توحيد  
الملكة / ميمونه عبد الملك زكريا . - ماجستير . - الرثابه  
العامه لتعليم البنات - التبريه للبنات بجده - اللغة العربية ،  
١٤٠٦ هـ .

● شعر الطبيعة في العصر العباسي  
-ABBASİLER  
-تأليف / الثاني / تأليف رشدي علي حسن . - ط 1  
- بيروت : مؤسسة الرسالة : عمان :  
دار عمان ، 1988 . - 276 ص : 25 سم  
- بيلوجرافية : ص 268 - 274 .  
850 ق م .

27 KASIM 1993

85-962710  
Hasan, Rüşdî 'Alî.  
(Shi'r al-ṭabī'ah fī al-'aṣr al-  
'Abbāsī al-thānī)  
شعر الطبيعة في العصر العباسي  
الثاني / تأليف رشدي علي حسن . -  
الطبعة 1 . - بيروت : مؤسسة الرسالة :  
عمان، الأردن : دار عمان ، 1988 .  
276 p. ; 25 cm.  
Title page partially vocalized.  
Originally presented as the  
author's thesis (doctoral)--Jāmi'at  
al-Qāhira.  
Includes index.  
Bibliography: p. 138-274.  
\$4.25 (U.S.)  
LAS-Lang.

-Tabiat

01 EYLUL 1995

NASR, SEYYED HOSSEIN. Nazar mutafak-  
kirān-i islāmī dar bārah-i tabī'at. (Concep-  
tions of nature in Islamic thought.) 444 pp.,  
illus., indices. Tehran: Tehran Univ. Press,  
1343 (1964).

A Persian version of the author's Introduction to  
Islamic cosmological doctrines containing notes and  
citations in Arabic and Persian not found in the  
English version.

31 ARALIK 1993

Doktora

190056 TABIAT

Farah, Jan İbrahim: "Kur'an-ı Kerim'in Tabiata Bakışı ve Allah'a  
İman", Doktora tezi (Danışman: Prof. Dr. İ. Ağah ÇUBUKÇU),  
134 s. Ant. Ü. Sos. Bil. Enst. 1987. Kelâm ve İsl. Felsefesi A.D.

168 NOMANUL HAQ, S. Islam and ecology: toward retrieval and reconstruction. *Dædalus*, 130 iv (2001) pp.141-177

FIRDAVSI  
Nāziri, Ni'mat Allāh. *Vaqf-i fābirī. dar shī'r-i Firdawsī : bih ḡamīmāh-i sukhan-i andak ... / ta'rif va tah-ḡiq az, Ni'mat Allāh Nāziri. — Chāp-i 1. — [Tehran] : Intishārāt-i Shū'lah-i Andīshah, 1368 [1989] 160 p. ; 21 cm. In Persian; romanized record. Includes bibliographical references (p. 101) Includes index. 680.001R (\$6.12 U.S.) (Critical appreciation of the works of Firdawsī, a classical Persian poet)*

16 ARALIK 1994

TABIAT İLMİ

925/DEF.A

925  
DEF.A

A'lāmū'l-Filūyō... 28-43

31 ARALIK 1993

Ramazan IŞIK

130056 TABIAT

Felsefe ve Din Bilimleri

Dinler Tarihi

Yüksek Lisans Tez

İslam Öncesi Türklerde Tabiatla İlgili İnanışlar

Danışmanı: Doç.Dr. Harun GÜNGÖR

Erciyes Univ.

Fatih

Nabiyat Fak.

Egy-Lang.  
ISBN 977-216-003-X : £8.00  
References (p. 217-219).  
Includes bibliographical

16, 219 p. ; 24 cm.  
[1990] [Cairo]  
Includes bibliographical references (p. 217-219).  
Includes index.  
680.001R (\$6.12 U.S.)  
(Critical appreciation of the works of Firdawsī, a classical Persian poet)

92-960506

HAYRAN  
TABIAT

9 NISAN 1994

1451  
"شناخت طبیعت از نظر قرآن". جمهوری اسلامی (۲۰ تیر ۱۳۶۳): ص ۰۴۰۸-۰۴۰۷ (۲۸ تیر ۱۳۶۳): ص ۰۱۱۰۷-۰۱۱۰۶ (۱ مرداد ۱۳۶۳): ص ۰۱۱۰۷-۰۱۱۰۶ (۸ مرداد ۱۳۶۳): ص ۰۸۰۷-۰۸۰۶ (۱۵ مرداد ۱۳۶۳): ص ۰۹۰۸-۰۹۰۷ (۲۱ مرداد ۱۳۶۳): ص ۰۷۰۷-۰۷۰۶ (۲۹ مرداد ۱۳۶۳): ص ۰۱۰-۰۱۰ (۱۳ شهریور ۱۳۶۳): ص ۰۷-۰۷ (۱۹ شهریور ۱۳۶۳): ص ۰۴۰۸-۰۴۰۷  
سخنرانی دکتر مهدی گلشنی در دومین کنفرانس اندیشه اسلامی در باره نقش مشاهده و تعقل در شناخت طبیعت

9 OCAK 1994

Tabiat (re puzel sanata)

Tabiat (konulari su madda)

Mucteba el-Musev  
Usulil-akaid  
I. 74-78

Mucteba el-Musev  
Usulil-akaid  
I. 64-68

22 EKİM 2008

ابن سینا، حسین بن عبدالله  
(۳۷۰-۴۲۸ق)

۵۷۲۳-طبیعیات دانشنامه علایی

باتصحیح سیدمحمد مشکوة(۱۳۰۶- )، تهران: دانشگاه

بوعلی سینا - انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ دوم،

۱۳۸۳ / ۲۰۰۰ نسخه، ۲۸+۱۵۳ص، فارسی، وزیری

(کالینگور)، بهاد: ۱۵۰۰۰ریال، فهارس: لغات، اصطلاحات،

منابع: ۲۷-۲۸. *Tabiat*

کد پارسا: B۴۸۵۲۳

فیزیک؛ گزیده(فلسفه و منطق)

دانشنامه علایی یک دوره کامل فلسفه به

معنای عام آن است که به زبان فارسی نگارش یافته

است. الهیات، منطقیات و طبیعیات هر کدام به طور

جداگانه چاپ و منتشر شده است. رساله حاضر بخش

سوم دانشنامه، یعنی طبیعیات است که ابن سینا در

این رساله علم را به زیرین و زبرین تقسیم کرده و علم

طبیعیات را علم زیرین دانسته است. وی آنگاه اجسام و

جایگاه آن را در عالم هستی به طور مفصل مورد بحث

و بررسی قرار داده و جایگاه و ارتباط آن را با هیولی

بررسی کرده است.

24 EKİM 2008

طوسی، محمد بن محمود(سده ۶)

۷۷۵۱-عجایب المخلوقات، به کوشش

منوچهر ستوده(۱۲۹۲- )، تهران: علمی و فرهنگی،

چاپ دوم، ۱۳۸۲ / ۲۰۰۰ نسخه، ۷۱۱ص، فارسی، وزیری

(کالینگور)، بهاد: ۴۰۰۰۰ریال.

شابک: ۹۶۴-۴۴۵-۴۰۴-۹

کد پارسا: B۴۹۸۷۰

پدیده شناسی - عجایب آفرینش

بررسی شگفتی های جهان طبیعت از قبیل

ستارگان، زمین، ماه و خورشید، درختان، موجودات زنده

و غیره با رویکردی قرآنی و روایی است. نویسنده،

نخست عجاییبی از عالم ستارگان، افلاک، علویات، و

صفات خاص خورشید و ماه و خلقت آنها ارائه داده

است. سپس شگفتی های کره زمین و مخلوقات آن از

قبیل اسرار درختان مانند پرندگان، درختان زیتون،

گردو، انار و نیز مباحثی دیگر مانند عجایب قبور، عقول

انسانها، درجات انسانها، اوصاف روح و جسم انسان،

عجایب مربوط به جن و حیوانات خشکی و دریایی و

علم طب بیان شده است.

22 EKİM 2008

حکیمیان، فرزاد

۵۷۲۸-«شناخت طبیعت از دیدگاه

قرآن»، گلستان قرآن، بیای ۱۷۲، ص ۱۶-۱۹،

فارسی، کتابنامه: ۱۹. *Tabiat*

کد پارسا: A۸۹۵۳۹

طبیعت در قرآن

جستاری در طبیعت شناسی با رویکرد قرآنی

است. مقاله حاضر با سیر در آیات قرآن کریم به

بررسی مباحثی مانند هدف طبیعت شناسی، امکان

شناخت طبیعت، مسائل مهم طبیعت شناسی، مجاری

شناخت طبیعت، مراتب شناخت طبیعت می پردازد.

نویسنده ضمن تلاش برای کشف اصول شناخت

طبیعت از منظر قرآن، رابطه توحید و اعتقاد به دیگر

مبانی دینی با طبیعت شناسی را بیان می کند. از نظر

وی طبیعت شناسی از دید قرآن، مطلوب بالذات نیست

و تنها در صورتی که ما را با خالق مدبر جهان آشنا و

نزدیک کند مطلوب است.

Micro-fiche 89/52214  
 - 021068  
 - TABIAT  
 Abū 'Alī, 'Abd al-Hādī 'Abd al-Nabī  
 'Alī.  
 al-Tabī'ah fī shi'r al-Buhturī /  
 ta'līf 'Abd al-Hādī 'Abd al-Nabī 'Alī  
 Abū 'Alī. -- [Egypt : s.n.], 1988.  
 171 p. ; 24 cm.  
 Includes bibliographical references  
 (p. 166-170).

01 ARALIK 1993

16 ARALIK 1993

۲۰۰۲ کسائی، علی اکبر. "طبیعت درمثنوی". جوانان امروز. ش ۱۰۴۹ (۱ تیر ۱۳۶۶) ص: ۱۲-۱۳. ش ۱۰۵۰ (۸ تیر ۱۳۶۶): ص ۱۸-۱۹. ش ۱۰۵۱ (۱۵ تیر ۱۳۶۶) ص: ۱۸-۱۹.  
 +190056  
 TABIAT  
 -131097  
 MESNEVI  
 (Mashhumi)

تصنيف ودراسة

الدكتور

محمّد أبو المجد غنّج البسيوني

بيبلوجرافيا الرسائل العلمية  
 في الجامعات المصرية منذ إنشائها  
 حتى نهاية القرن العشرين  
 الادب العربي والبلغة والتقد الاصيل

۲۹۳۱- وصف الطبيعة في الشعر الأموي / إسماعيل أحمد شحادة العالم / د ۱۹۷۹ ج. القاهرة، ك. الآداب [يوسف خليف]. Tabiat

م	ماجستير	د	دكتوراه	ج	جامعة
ك	كلية	ق	قسم	ش	شعبة
ا	إشراف	س	سليمانية	ح	مصرية

القاهرة ت  
 الطبعة الأولى  
 ۱۴۲۲ هـ - ۲۰۰۱ م

تصنيف ودراسة

الدكتور

محمّد أبو المجد غنّج البسيوني

بيبلوجرافيا الرسائل العلمية  
 في الجامعات المصرية منذ إنشائها  
 حتى نهاية القرن العشرين  
 الادب العربي والبلغة والتقد الاصيل

۲۹۳۰- وصف الطبيعة بين بشار وأبي العلاء / عبد الغني محمد البسيوني / د- ج. الأزهر، ك. اللغة العربية بالنصورة. Tabiat

م	ماجستير	د	دكتوراه	ج	جامعة
ك	كلية	ق	قسم	ش	شعبة
ا	إشراف	س	سليمانية	ح	مصرية

القاهرة ت  
 الطبعة الأولى  
 ۱۴۲۲ هـ - ۲۰۰۱ م

22 EKIM 2008

ایمانپور، منصور

۶۵۴۷- «ارزیابی غایت‌مندی عالم

طبیعت در فلسفه مشایی و حکمت

متعالیه»، خردنامه صدر، پیاپی ۲۷، ص ۳۷-۴۶، فارسی.

کد پارسا: A87661 Tabiat

طبیعیات - غایت‌شناسی

دیدگاه دو مکتب مهم فلسفی مشاء و حکمت متعالیه درباره مفهوم غایت‌مندی نظام طبیعت در این مقاله مورد بحث قرار می‌گیرد. نویسنده ضمن مطالعه گوشه‌هایی از فلسفه ملاصدرا و فلاسفه مشایی، رویکرد هر کدام را درباره موضوع مذکور بررسی می‌کند. از دیدگاه وی فلسفه مشایی ضمن آنکه عالم طبیعت را همچون عالم مجردات تمثیل و انعکاسی از کیهان ربانی و نظام پیشین صور ارتسامی قلمداد می‌کند، آثار و حرکات اشیاء مادی را برخاسته از طبایع آنها می‌داند و غایت مترتب بر این افعال را مقتضای طبایع ثابت و بدون شعور می‌شمارد. اما حکمت متعالیه بر مبنای حرکت جوهری، همه موجودات عالم را دارای شعور و فقیر بالذات فرض می‌کند که به سوی خداوند در حرکت هستند.

تصنيف ودراسة

الدكتور

محمّد أبو المجد غنّج البسيوني

بيبلوجرافيا الرسائل العلمية  
 في الجامعات المصرية منذ إنشائها  
 حتى نهاية القرن العشرين  
 الادب العربي والبلغة والتقد الاصيل

۲۹۲۹- وصف الطبيعة بين البحتري والصنوبري / نبوية توفيق الخولاني / د ۱۹۸۶ ج. الأزهر، ك. الدراسات الإسلامية والعربية (بنات) بالقاهرة [يوسف خليف]. Tabiat

م	ماجستير	د	دكتوراه	ج	جامعة
ك	كلية	ق	قسم	ش	شعبة
ا	إشراف	س	سليمانية	ح	مصرية

القاهرة ت  
 الطبعة الأولى  
 ۱۴۲۲ هـ - ۲۰۰۱ م

formed ritual beating of drums and sang songs to eke out a meagre wage. The drummers' work in pre-modern Syria, as elsewhere in the Middle East, was treated as a demeaning profession (*hiṣṣa danīʿa*).

**Bibliography:** D̲j̲āhīz, *Manāḳib al-atrāk*, in *Rasāʿil*, ed. Hārūn, Cairo 1964, i, 19, 53; Ibn al-D̲j̲awzī, *al-Muntaẓam*, vii, 262, viii, 57, ix, 14; Hilāl b. Muḥassin al-Ṣābī, *Ruṣūm dār al-khilāfa*, Baghdad 1964, 24, 136-7, tr. Elie A. Salem, *The rules and regulations of the ʿAbbasid court*, Beirut 1977, 24, 115; idem, *Wuzarāʾ*, ed. Amedroz, Leiden 1904, 377; Iṣfahānī, *Aghānī*, xvi, 138-9; Miskawayh, in *Eclipse of the ʿAbbasid caliphate*, i, 132, ii, 264, 396, tr. iv, 147, v, 281, 435; Nāsir-i K̲h̲usraw, *Safar-nāma*, tr. Thackston, Albany 1986, 45; Ibn al-Aṭṭār, *Kāmil*, ed. Beirut, vii, 299, viii, 126; Yākūt, *Irshād*, ed. Margoliouth, v, 164; *LA*, Beirut 1956, xi, 398-9; Ibn al-Fuwaṭī, *al-Hawādith al-djāmiʿa*, Baghdad 1932, 93; Ibn Taghribirdī, *Nudjūm*, Cairo 1933, iv, 132; M.S. al-Kāsimī *et al.*, *Kānūs al-ṣināʿāt al-Shāmiyya*, Paris and The Hague 1960, ii, 288-9; R.B. Serjeant *et al.*, *Ṣunʿāʾ-an Arabian Islamic city*, London 1983, 146 n.; Mehdi Keyvani, *Artisans and guild life in the later Safavid period*, Berlin 1982, 54-5; Muḥammad Abdul Jabbar Beg, *The Islamic city from al-Madinah to Sāmarrā*, in *Historic cities of Asia*, ed. with introd. by idem, Kuala Lumpur 1986, 250-61; M. Shamsuddin Miah, *The reign of al-Mutawakkil*, Dacca 1969, 67, 216; H.G. Farmer, *A history of Arabian music to the 13th century*, London 1929, 206-11. See also the *Bibl.* to ṬABL-KHĀNA.

(M.A.J. BEG)

ṬABĪʿ [see POSTA].

ṬABĪʿA (A.), literally "nature", functional equivalents *ṭibāʿ* and *ṭabʿ*, a term of Islamic science, philosophy and theology. Numerous Arabic-writing authors have defined the term, and a first survey shows that in a large number of cases these definitions betray Aristotelian origins. In such cases, therefore, it would be legitimate to analyse *ṭabīʿa* in the context of Aristotle's φύσις, a term usually translated as "nature", provided that the distinct and varying conceptual range of the Arabic term is kept in view and it is not considered identical to its Greek source.

1. Appropriations of the Greek φύσις tradition.

Ibn Sīnā [q.v.] writes in his *K. al-Hudūd* that "*ṭabīʿa* is an essential first principle (*mabdaʿ auwal*) for the essential movement of that in which it is present; in short, for every essential change (*taḡhayyur*) and every essential persistence (*ṭhabāt*)" (*Rasāʿil*, Cairo 1326, 86; cf. A.-M. Goichon, *Lexique de la langue philosophique d'Ibn Sīnā*, Paris 1938, 201). This is clearly an Aristotelian definition; in fact, in the *Uyūn al-ḥikma*, we find Ibn Sīnā providing a fairly faithful Arabic paraphrase of Aristotle's *Physics*, ii/1, 192.b.20-3: "*Ṭabīʿa* is a cause (*sabab* = αἰτία) in that it is a certain essential principle (*mabdaʿ* = ἀρχή) of motion and rest to that in which it is inherent, essentially and not by accident" (Arabic text in Goichon, 201). Similarly, to take another example, the *Ḡhāyat al-ḥakīm* of pseudo-Maslama b. Ahmad al-Maḍjirī [q.v.] also defines *ṭabīʿa* as a cause and an essential principle; and in conformity with Aristotle it is expressly called a potentiality: we are told that *ṭabīʿa* is a certain *kuwwa* (δύναμις) existing in physical bodies by means of which their forms and acts are preserved for a finite period of time—"natural philosophers (*ṭabīʿiyyūn*) call this *kuwwa* the constraining cause (*al-sabab al-mumsik*) by means of which bodies persist without collapsing, disintegrating, or calcining. . . . The definition of *ṭabīʿa* is that it is the essential first principle . . . of motion and rest"

(ed. H. Ritter, Berlin 1933, 284). Recall Aristotle's *Metaphysics*, ix/8, 1049.b.9-10: "φύσις is in the same genus as δύναμις; for it is a principle of movement". Ibn Ḥazm [q.v.], too, in his polemical discourses on *ṭabīʿa*, says that it is a potentiality, and so do the Iḳhwān al-Ṣafāʾ [q.v.] (see below).

But pseudo-Maḍjirī continues to give the definitions of *ṭabīʿa* according to others, and here the question of sources, though they remain evidently Greek, becomes rather complex. According to the philosophers, he says, *ṭabīʿa* is a corporeal form (*sūra d̲j̲ismiyya*) and "it is in physical bodies (*al-badan*) through the mediation of the Sphere lying between this [corporeal form] and the Soul" (*loc. cit.*). Plato, he tells us, defined *ṭabīʿa* as a natural substance (*d̲j̲awhar ṭabīʿī*). And like Ibn Sīnā—and here the texts of the *Hudūd* (Goichon, 201) and *Ḡhāya* are practically identical—he gives the definition of the physicians: "They apply the term *ṭabīʿa* to humour, natural heat (*al-harāra al-ḡharīziyya*), aspects of the bodily organs (*ḡayʿāt al-aʿḍāʾ*), movements, and the vegetative soul" (*loc. cit.*).

Indeed, the term is widely used by Arabic physicians and, as Goichon points out (200), in this usage it carries the broad sense of the Latin *natura rerum*. In this connection, one should note what seems to be a fairly common feature of Arabic encyclopaedic works on animals: found in these writings is a section devoted to the *ṭabāʿiʿ* of each animal, followed by its properties (*ḡhawāṣṣ*) (see, for example, Ibn Abi ʿl-Hawāfir (d. 701/1301), *Badāʿiʿ al-akwān fī manāfiʿ al-hayawān*, ms. Chester Beatty 4325; ʿIsā b. ʿAlī (fl. 3rd/9th century), *K. Manāfiʿ al-hayawān*, ms. Berlin 6240; cf. Sezgin, *GAS*, iii, Leiden 1970). Also, in natural historical writings sometimes the term used is *ṭibāʿ*, which functions as the equivalent of *ṭabīʿa*. Thus Aristotle's title *History of animals* is translated *Fī maʿrifat ṭibāʿ al-hayawān al-barī wa ʿl-bahrī* (ed. A. Badawi, Kuwait 1977). Again, in the Arabic translation of Aristotle's *Generation of animals* attributed to Yaḥyā b. al-Bīṭrīk, φύσις is consistently rendered *ṭibāʿ* (see ed. J. Brugman and H.J. Drossaart Lulofs, Leiden 1971, 249). But the use of *ṭibāʿ* is not restricted to this particular context, since, for example, in a discourse on the souls of heavenly bodies Ibn Sīnā speaks of their *ṭibāʿ* in which, he says, inheres the principle of change and multiplicity (Arabic text in Goichon, 201).

An unmistakably Neoplatonic account of *ṭabīʿa* is found in the *Rasāʿil* of the Iḳhwān al-Ṣafāʾ which contains a whole chapter on the quiddity (*māḥiyya*) of *ṭabīʿa*. "Those among the sages and philosophers who used to talk about cosmic phenomena occurring in the sublunar realm", we read in the *Rasāʿil*, "attributed all natural events and processes to *ṭabīʿa* . . . Know, O my brother, . . . that *ṭabīʿa* is only one of the potentialities of the Universal Soul, a potentiality spreading through all sublunar bodies, flowing through each of their parts". Then we are told that, expressed in terms of Divine Law, *ṭabīʿa* is a group of "angels who are assigned the task of protecting the world and carrying out natural creation (*ṭadbīr al-khalīqa*) by the permission of God" (*Rasāʿil*, Beirut 1957, ii, 63). This is an interesting appropriation of the Neoplatonic doctrine of emanation, particularly as it is found in the historically important *Theologia Aristotelis*, a pseudo-Aristotelian text whose ultimate substratum is Plotinus' *Enneads*, iv-vi in Porphyry's arbitrary arrangement. In this text *ṭabīʿa* is spoken of as an emanation ultimately radiating forth from the First Cause, through the successive emanations of the hypostases of the Intellect and Soul (ed. A. Badawi, in idem, *Plotinus apud Arabes*, Cairo 1955, 6). Note that both Plotinus

19056  
IDA

19056  
IDA



L'impératif était alors une Forme non originelle, simplement séparée du *muḏāri'* par un accident (cf. *ibid.*, p. 224, l. 17).

L'impératif *mabnī* 'ala *s-sukūn* concerne la 2<sup>e</sup> p. m. sing.: *if'ul*, *if'al*, *uf'ul*. Les autres: 2<sup>e</sup> p. f. sing., f. pl., m. pl., duel reçoivent un suffixe, respectivement: *-ī*, *-na*, *-ū*, *-ā*, où les grammairiens arabes ont vu aussi un *ḍamīr*, un pronom personnel, comme précédemment pour le *yā'* de *taf'al-ī-na*, le *nūn* de *fa'al-na*, *yaf'al-na*, le *wāw* de *fa'al-ū*, *yaf'al-ū-na*, *taf'al-ū-na* et il convient d'en juger selon le point de vue arabe, comme il a été fait précédemment: *binā'* du verbe devant le *nūn* (*-na*), *'i'rāb* avec les trois autres: *-ī*, *-ū*, *-ā*.

A la fin de cette étude du verbe arabe selon le point de vue des grammairiens arabes, on comprend facilement pourquoi ceux-ci n'ont pas parlé de *conjugaison*, *voix*, *mode*. Leur intérêt était ailleurs: ils n'ont eu pour but que d'appliquer à chaque forme verbale, prise isolément, les procédés du *Taṣrīf* et à intégrer sa finale dans leur système de *'i'rāb*. Le résultat ne pouvait être que fondamentalement inorganique.

Cette analyse, purement formelle, sans unité sinon les cadres très larges du *Taṣrīf*: *hurūf 'uṣūl* — *ziyāda*, surchargée de toutes les questions (inévitables dans le cas) d'*'i'rāb* et de *binā'*, sans compter l'introduction de tous ces *ḍamā'ir* intempestifs, est déroutante et lassante pour un esprit européen. Mais il ne faut pas en vouloir aux grammairiens arabes de ce qu'ils n'ont pas été; il faut les juger selon ce qu'ils ont voulu être. Dans sa ligne, leur analyse apparaît comme un modèle d'étude, appliquée, consciencieuse, poussée jusque dans les plus petits détails,<sup>17</sup> soucieuse de justifier toute affirmation qui pourrait être contestée. Elle manifeste une *mentalité*: une manière de considérer la grammaire, qui imprègne encore profondément les esprits dans le monde arabe actuel.

<sup>17</sup> Voir par exemple la note 14 précédente.

Édité par PIERRE SALMON

"Mélanges O' Islamologie", Leiden-1974,

s 137-149.

ISAM 18038

R. M. FRANK

NOTES AND REMARKS ON THE ṬABĀṬ  
IN THE TEACHING OF AL-MĀTURĪDĪ

Though the importance of the theology of al-Māturīdī to the course of the history of Islamic theology may be questioned — his followers tended to remain in the eastern provinces where the school originated and his wider influence and repute were scant enough that Ibn Ḥazm, al-Šahrastānī, and Ibn Ḥaldūn do not trouble to mention him in their accounts of the schools of *kalām*<sup>1</sup> — he is nonetheless one of the most interesting of all the *kalām* theologians. Even apart from its inherent interest as a major attempt to formulate an Islamic theology, his doctrine is of considerable importance for our understanding of the history of the *kalām* in the definitive period of its formation in that it manifests a unique combination and synthesis of the diverse elements and traditions out of which various thinkers had been, with greater success and less, trying to formulate a theology congenial to Islam's sense of its own belief.

One finds often repeated the assertion that al-Māturīdī's thought is more akin to that of the Mu'tazila than that of al-Aš'arī<sup>2</sup> but there has been almost no detailed investigation of any of the formal theoretical elements of his thought so that the character and background of his theology and its relationship to the other traditions of sunnī *kalām* remain on the whole obscure. Even a superficial reading of the *Kitāb at-Tawḥīd*, however, makes it clear that the author is, to

<sup>1</sup> Cf. D. B. McDonald, art. 'al-Māturīdī' in *EI*. Modern scholarship has given him correspondingly little attention, his major works remaining altogether unpublished until several years ago.

<sup>2</sup> Cf., e.g., J. Schacht, "New Sources for the History of Muhammadan Theology". *Studia Islamica* I (1953), 35.; L. Gardet and G. Anawati, *Introduction à la théologie musulmane* (Paris, 1948), 60f.; and A. Ali in M.M. Sharif, *A History of Muslim Philosophy* (Wiesbaden, 1963), 295 ff. pass. Though detailed research remains to do, it would seem that these estimates rather neglect the very close relationship that exists between the Aš'arite systems and the Baṣra School of the Mu'tazila, a kinship that becomes all the more apparent as one reads al-Māturīdī. Whatever background he shares with or derives from the Mu'tazila is to be sought more with al-Ka'bi and the background of the Baghdad tradition than with the Basrian school of abū Hāsim and his followers.

Publications of the  
Institute for the History of  
Arabic-Islamic Science

Edited by  
Fuat Sezgin

ISLAMIC  
PHILOSOPHY

Volume 114

Papers on  
Various Topics  
in  
Islamic Philosophy  
Selected and reprinted

2000

Institute for the History of Arabic-Islamic Science  
at the Johann Wolfgang Goethe University  
Frankfurt am Main

# ISLAMIC PHILOSOPHY

Volume  
114

PAPERS  
ON  
VARIOUS TOPICS  
IN  
ISLAMIC PHILOSOPHY

Selected and reprinted  
by  
Fuat Sezgin

in collaboration with  
Mazen Amawi, Carl Ehrig-Eggert,  
Eckhard Neubauer

2000

Institute for the History of Arabic-Islamic Science  
at the Johann Wolfgang Goethe University  
Frankfurt am Main

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	82384
Tas. No:	181.2 151.P

Tabi'atçılar 190058

## LA NATURE DANS LA PENSÉE ISLAMIQUE

Par LOUIS MASSIGNON

Nous avons, l'an dernier, examiné ensemble la notion de «l'esprit» dans la pensée islamique. La notion de la «nature» peut être utilement examinée cette année, en contraste avec celle d'«esprit».

Le terme arabe universellement reçu, en arabe, pour traduire l'idée de *natura* (grec: *physis*), est *tabi'a*. Les premiers traducteurs arabes des traductions syriaques de l'Organon avaient calqué, sur le syriaque *kjônô* l'arabe *kiyân*, pour «nature»; mais ce terme, resté rare, s'est restreint à ce qu'il y a d'inné dans la psychologie humaine.

*Tabi'a* vient de la racine *tb'*, imprimer sur quelque chose, sceller. Elle a plutôt un sens péjoratif dans le Coran; marque du mépris du Dieu Créateur pour sa création, qu'Il scelle d'un sceau de séparation, d'ombre, sinon de damnation. Le «nom» que Dieu donne aux choses créées les sépare de Lui comme un «voile» separe de la Lumière. C'est dans ce sens que les Ismaéliens, les Nusayris et les Druzes appellent Le Prophète Muhammad, «Mim», le Nom (arabe: *Ism*), et le Voile (arabe: *Hijâb*). Hallâj a dit «Dieu a voilé ses créatures par le Nom, afin qu'elles vivent... s'Il leur dévoilait Son énergie, elles s'anéantiraient».

Les mots *tabi'a* et *tibâ'* sont statiques, s'opposent à l'initiative, au mouvement, à la volonté. Les premiers théo-

364 - 376

LA NATURE DANS LA PENSÉE ISLAMIQUE

145

logiens résolvent par la négative la question de savoir si Dieu crée *tab'â*, «naturellement», donc par nécessité (ce qui est impossible). Il est vrai que sous l'influence de l'idée hellénistique du «premier moteur immobile», les théologiens musulmans finiront par renoncer à se représenter l'Acte pur de Dieu sous forme de «mouvement» (*haraka*); quoique la tradition profonde du monothéisme sémitique révélé soit de maintenir que Dieu ne cesse d'agir, de recréer Sa création; idée juive qu'un grand philosophe de l'Islam, Abû'lbarakât Baghdâdî (+ 547/1152) reprendra en montrant qu'il n'y a pas d'autre preuve sérieuse de l'existence de Dieu que cette incessante actualisation, ces renouvellements (*tajaddudât*) par quoi Il vivifie ses œuvres, substantiellement.

Les premiers philosophes musulmans hellénistiques se partagent suivant deux tendances, les «spirituels», partisans de l'action des «esprits» (*ashâb al-rûhâniyîn*), et les «naturalistes» (*ashâb al-tabâ'i*) partisans de l'action des 4 qualités (chaud, froid, sec, humide), pour expliquer le mécanisme du fonctionnement général et de la différenciation de l'univers. «*Tabâ'i*», «qualités», désigne aussi, par extension, les 4 humeurs dont l'équilibre vivant du corps humain se compose (bile, atrabile, sang, pituite). Ces qualités et humeurs, sous une influence manichéenne, sont considérées comme «mauvaises», «ténébreuses», et les shi'ites extrémistes les identifient à des âmes damnées pour s'être opposées à la proclamation de 'Alî comme khalife-imâm; donc éléments prédestinés du Mal.

Deux fables philosophiques sont alors mises en circulation pour minimiser, au nom de la «nature», l'orthodoxie musulmane, la croyance en la liberté souveraine de Dieu: la fable des «brahmanes monothéistes», propagée par Ibn

10

365

31 MARS 2003

– الجهاز البولي urinary system : ويضم الكليتين (اللتين تصفيان الدم وتنتجان البول) والحالبين (اللذين ينقلان البول) والمثانة (خزان البول) والإحليل (الذي يعمل مع المثانة على طرح البول بشكل متقطع).  
– جهاز التكاثر reproductive system : أو الجهاز التناسلي genital system : يشمل الأعضاء التناسلية (على سبيل المثال المبيضين والخصيتين والأعضاء التناسلية الخارجية) المعنية في التكاثر.  
– جهاز الغدد الصم endocrine system : يضم الغدد المحرومة من قنوات مفرغة، مثل الغدة الدرقية التي تنتج هرمونات ينقلها جهاز الدوران إلى كل أقسام الجسم.

يوسف مخلوف

مراجع الاستزادة:  
- L. KEITH MOORE & ARTHUR F. DALLEY, Clinically Oriented Anatomy (Lippincott Williams & Wilkins, Philadelphia 1999).  
- S. RICHARD, Clinical Anatomy (Lippincott Williams & Wilkins, Philadelphia 2004).

العصبية المركزية والجملة العصبية المحيطية. ومن بين أجهزة الجسم، شاع استخدام مصطلح «الجملة العصبية» للتعبير عن الجهاز العصبي.  
– جهاز الدوران circulatory system : ويتكون من الجهاز القلبي الوعائي والجهاز اللمفي.  
– الجهاز الهضمي digestive system : ويشمل الأعضاء المعنية بتناول الأطعمة ومضغها وبلعها وهضمها وامتصاصها وطرح الفضلات المتبقية بعد امتصاص الغذائية.  
– الجهاز التنفسي respiratory system : يشمل الطرق الهوائية والرئتين اللتين تزودان الجسم بالأكسجين وتطرحان ثاني أكسيد الكربون.

– التشريخ الجهازي systemic anatomy : يعنى بدراسة أجهزة الجسم التي هي:  
– الجهاز اللحافي integumentary system : ويتكون من الجلد وملحقاته مثل الأشعار والأظافر والغدد العرقية.  
– الجهاز الهيكلي skeletal system : ويشمل العظام والغضاريف.  
– الجهاز المفصلي articular system : ويتكون من المفاصل وأربطتها.  
– الجهاز العضلي muscular system : ويتكون من العضلات التي تحرك أقسام الجسم. ويعرف مجموع الأجهزة الهيكلية والمفصلي والعضلي باسم الجهاز الحركي locomotor system.  
– الجملة العصبية nervous system : وتتكون من قسمين هما الجملة

الموضوعات ذات الصلة:

التشريح (تاريخ علم -) الجراحة (تاريخ -).

## ■ الطبيب (عبد الرحيم بن علي -) ← مهذب الدين (عبد الرحيم بن علي -)

### ■ الطبيعة (مذهب -)

الواقعي [ر. الواقعية Realism]، وهو ضد المذهب المثالي [ر. Idealism].  
والمذهب الطبيعي في الدين [ر.]، بخلاف الديانات السماوية، لا يؤمن بالبعث والحساب، ولكنه لا يحدد فكرة الألوهية تماماً، فهو يقوم على إحلال الإله الطبيعي محل الإله فوق الطبيعي.  
يعود نشوء المذهب الطبيعي، في أقدم الفلسفات، إلى الإغريق، منذ القرن السابع قبل الميلاد، حينما تساءل الأقدمون عن حقيقة الكون، والمبدأ الذي صدر عنه، والمصير الذي ينتهي إليه، وحصروا أجوبتهم بأسباب طبيعية، فكان الماء مبدأ للوجود عند

وجد بنفسه دون حاجة إلى علة خارجية عنه، أو إلى افتراض قوى فائقة للطبيعة، وهو بذلك مذهب يعارض مذهب ما بعد الطبيعة (الميتافيزيقا [ر.]) Metaphysics.  
والمذهب الطبيعي في فلسفة الأخلاق [ر.] هو القول: إن الحياة الأخلاقية امتداد للحياة البيولوجية، وإن المثل الأعلى للأخلاق تعبير عن الحاجات والغرائز التي تتميز بها إرادة الحياة.  
وهو في فلسفة الجمال [ر.] القول إن قوام الفن محاكاة للطبيعة، أي إظهار الأشياء كما هي، وهذا المذهب الطبيعي في الفن مرادف للمذهب

المذهب الطبيعي Naturalism في الفلسفة العامة هو القول إن الطبيعة هي الوجود كله، وأنه لا وجود إلا للطبيعة، أي للحقيقة الواقعية المؤلفة من الظواهر المادية المرتبطة بعضها ببعض، على النحو الذي يشاهد في عالم الحس والتجربة. ومعنى ذلك أن المذهب الطبيعي يفسر جميع ظواهر الوجود بإرجاعها إلى الطبيعة، ويستبعد كل مؤثر يجاوز حدود الطبيعة ويفارقها: «فالتبيعة علة فاعلية لذاتها»، ويسمى أصحاب هذا المذهب بالطبيعيين Naturalists، وهم الدهريون الذين ينكرون وجود الصانع أو الخالق المدبر، ويؤمنون أن العالم

إشراف: محمود حمدي زقزوق، الموسوعة الإسلامية العامة،

القاهرة 2001/1422، ص. ISAM 85410.

Rabat

## علم الطبيعة

التركيب الداخلى للمواد.

٤. الضوء ويتضمن الضوء الفيزيقي والضوء الهندسى والظواهر الضوئية المختلفة، وكذلك علم الليزر الذى ظهر حديثاً.

٥. الكهرومغناطيسية وتتضمن النظرية الكهربائية والمغناطيسية والمجالات الكهرومغناطيسية.

٦. ميكانيكا الكم وهى نظرية تختص بسلوك الجسيمات على المستوى بالغ الصغر (دون المجهر).

وتسمى الفيزيكا التى تم تطويرها قبل عام ١٩٠٠م «الفيزيكا التقليدية».

ومن العلماء الذين أسهموا بجهد كبير فى تطوير هذه الفيزيكا على مر العصور، كل من العالم العربى المسلم «الحسن بن الهيثم» (٣٥٧-٤٣٠هـ / ٩٦٥-١٠٣٨م) الذى أنجز معظم أعماله فى مدينة القاهرة، وأهمها نظرية الضوء والتفسير الصحيح لعملية الرؤية، وقد تضمن كتابه «الناظر» بحوثاً عديدة تعتبر انقلاباً فى علم الضوء. وترجم هذا الكتاب إلى اللغة اللاتينية بعد وفاته بقرنين من الزمان، وظل هو المرجع الرئيسى لعلم الضوء حتى القرن السابع عشر.

كما أن العالم المصرى القاهرى

لغة: الطبيعة السجية، وهى القوة السارية فى الجسم التى بها يصل إلى كماله الطبيعى. (لسان العرب).

واصطلاحاً: العلم المختص بتفهم الظواهر الطبيعية التى تحدث فى الكون معتمداً على الملاحظات التجريبية والقياسات الكمية.

وأهم أهدافه استنباط القوانين التى تحكم الظواهر الطبيعية لتطوير نظريات يمكن لها أن تتنبأ بنتائج التجارب، وتصاغ القوانين الأساسية لهذه النظريات بلغة الرياضيات التى تمثل الجسر الذى يربط بين النظرية والتجربة.

وعندما يظهر تناقض بين النظرية والتجربة الفيزيكية، تبتثق نظريات جديدة وتجارب جديدة لحل هذا التناقض، وفى هذا دفع للبحث العلمى.

وتنقسم الفيزيكا إلى ستة مجالات، هى:

١. الميكانيكا التقليدية التى تختص بحركة الأجسام ذات سرعة تقل كثيراً عن سرعة الضوء.

٢. النظرية النسبية التى تصف الجسيمات المتحركة بسرعة تقترب من سرعة الضوء.

٣. الديناميكا الحرارية وتختص بدراسة تغير درجة حرارة الأجسام على

(see M.S. Sujimon, *The treatment of the foundling according to the Hanafis*, in *ILS*, ix/3 [2002], 358-85). As for the possibility of passing from one known genealogy to another, it is unequivocally barred *de jure* according to all legal schools. In the Muslim legal order, the creation of a genealogy *ex nihilo* thus proves easier than a change of *nasab*.

At the present time, only one Arab Muslim country, Tunisia, has had the audacity to contravene openly the Kur'anic prohibition of plenary adoption. In 1958, the Tunisian legislature, more aware of new social realities than others, established adoptive filiation in the full sense. It seems nevertheless that in the tribunals interpretation of statutes of adoption is often restrictive and sometimes expressly infringes the terms of the legislation in force (see L. Pruvost, *Intégration familiale...*, in *Recueil d'articles offert à Maurice Bormans par ses collègues et amis*, Rome 1996, 155-80).

Modern and contemporary ethnology has shown that despite its theoretical prohibition, adoption used to be practised in numerous Muslim societies. Adoption in Islam probably constitutes one of those instances where custom, in the event more favourable to this institution, has been only very superficially Islamised.

*Bibliography*: 1. Surveys of the classical doctrine. References given in the article; the corpus of commentaries on Qur'an, XXXIII, 5, 37; and for an unusual point of view, cautiously favourable to adoption, *Zamakhsharī, al-Kashshāf 'an haḳā'ik al-Qur'ān*, Beirut n.d. [1947] on Qur'an, XXXIII, 5. Treatises of *fiqh* barely mention the question of the prohibition of adoption.

2. Studies. Few works have been devoted to adoption as such in Islam, but see nevertheless G.H. Bousquet and A. Demeerseman, *L'adoption dans la famille tunisienne*, in *R.Afr.*, ccclxxii-iii (1937), 127-59; A.R. Naqvi, *Adoption in Muslim law*, in *Islamic Studies*, xix (1980), 283-392; U. Vermeulen, *De gezagsvoorzieningen in de Islam: adoptie en hoederecht*, in *Recht van de Islam*, iv (1986), 4-17; K. Dilger, *Die Adoption im modernen Orient. Ein Beitrag zu den Hiyal im islamischen Recht*, in *Recht van de Islam*, vii (1988), 42-62; A. al-A. Sonbol, *Adoption in Islamic society, a historical survey*, in E. Warnock Fernea (ed.), *Children in the Muslim Middle East*, Cairo 1996, 45-67; O. Pesle, *L'adoption en Islam*, Algiers n.d.

(E. CHAUMONT)

**TABĪYYĀT** (A.), an abstract noun formed from the adjective *ṭabī'ī* "natural" (antonym, *maṣnū'*), physics, or natural sciences.

Aristotle divided the theoretical sciences into mathematics, physics and metaphysics. Islamic philosophers, starting from al-Kindī [q.v.], were familiar with this division and it forms part of the various classifications of the sciences that were drawn up by Islamic scholars, such as in the *Iḥṣā' al-'ulūm* by al-Fārābī [q.v.] and in many subsequent ones. In these classifications, physics was subdivided into parts that mostly corresponded to the Aristotelian works on natural science, including those that are now known to have originated in his school. Such a division was also maintained in the encyclopaedic works of Ibn Sīnā [q.v.] and his followers, such as Bahmanyār b. al-Marzubān, Abu 'l-Barakāt al-Baḡhdādī, Fakhr al-Dīn al-Rāzī, al-Abharī and others.

For instance, the part of Ibn Sīnā's *Kitāb al-Shifā'* that deals with *ṭabī'yyāt* contains the following eight sections: lectures on physics; the heaven and the world; generation and corruption; actions and passions; meteorological phenomena; the soul, plants; and the natures of animals. Except for the section entitled

"Actions and passions", each of these sections corresponds to a work from the Aristotelian school; in fact, the section "Actions and passions" together with the next section "Meteorological phenomena" discusses the subjects from Aristotle's *Meteorology*.

Furthermore, Islamic philosophers such as Ibn Bāḡdīja and Ibn Ruṣhd [q.v.] wrote individual commentaries on several of Aristotle's physical works.

It should be mentioned that the Islamic theologians (*mutakallimūn*) also discussed subjects that fall under *ṭabī'yyāt*, such as the structure of matter and the nature of change.

The Islamic philosophers writing on subjects of natural science remained within the framework of Aristotelian natural philosophy: they used concepts such as potentiality/actuality, matter/form, natural place and natural motion *vs.* non-natural place and forced motion; they adopted Aristotle's definition of motion; and they denied the existence of the void and conceived matter as continuous, not atomistic. However, it appears that the work of Philoponos [see YAḤYĀ AL-NAHWI], who opposed Aristotle in several respects, was also well studied, and that often Islamic philosophers took sides with him against Aristotle. Moreover, they often had a different way of discussing things and brought forward new arguments. A few examples follow.

In their discussion of infinity, Islamic philosophers adopted Aristotle's definition, but they used a way to prove that infinite quantities cannot actually exist, which was first propounded by Philoponos. His proof was based on the (mistaken) idea that a part of an infinite collection cannot be infinite, for if something is smaller than infinite, it must be finite. Al-Kindī and al-Ghazālī [q.v.] used this method also to prove, against Aristotle, that time cannot be infinite, but must have a beginning. Objections against this again were raised by Ibn Sīnā and Ibn Ruṣhd. It is worth mentioning that Thābit b. Qurra [q.v.] recognised that infinite collections may have parts that are also infinite; this in fact invalidates the proofs of Philoponos and his Islamic followers.

In opposition to the Aristotelian explanation of motion, that "every body that moves is moved by another body", Islamic philosophers adopted the concept of impressed force such as conceived by Philoponos; this was further developed by Ibn Sīnā and his school, and became known as *mayl* ("inclination").

Aristotle's "law of motion", stating that the velocity of a body moving through a medium is inversely proportional to the density of that medium, was criticised by Philoponos and subsequently Ibn Bāḡdīj. Aristotle's law implies that motion through a void (if void existed) would occur with infinite velocity, that is, any distance would be covered in no time, and this absurd consequence was an argument for Aristotle to assert the impossibility of the void. However, Philoponos and Ibn Bāḡdīj stated that covering a distance always needs a finite time, even in void, if it existed, and that the effect of the presence of a medium will be that more time is needed to cover that distance.

Atomism was discussed by Ibn Sīnā in a way not found in Greek philosophy, for he wrote in opposition to the atomism of the *mutakallimūn*, who defended atomism with their own arguments.

The discussions of meteorological phenomena [see AL-ĀTHĀR AL-'ULWĪYYA] are mostly based on Aristotle's assumption that they are caused by the two exhalations, the dry one from the earth and the moist one from the water. However, in their explanation of some

فكرة الطبيعة في الفلسفة الاسلامية (ابريل ١٩٦٩) x Tabiat (IDA)  
فيصل بدير عبد الله عون (إشراف أ. د. علي سامي النشار)

كان من الضروري البحث في فكرة الطبيعة عند المسلمين تبيان كيف بدأ  
البحث في الطبيعة بوجه عام وكيف أثرت الأبحاث السابقة علي مثيلاتها عند  
المسلمين وكان هذا هو الدافع في عقد فصل خاص عرض الباحث فيه فكرة الطبيعة  
عند اليونان . لكن قبل عرضه لهذا الفصل كان عليه أن يتحدث عن مفهوم  
الطبيعة والمعاني المختلفة التي تشملها . وكذلك ما علل طبائع الأشياء وما الجسم

١٥١-١٥٢

جامعة عين شمس

# البشر والعالم

١٩٦٠ - ١٩٧٠

مختصات رسائل الماجستير والدكتوراه التي  
منحتها الجامعة من سنة ١٩٦٠ - ١٩٧٠

قسم الدراسات الفلسفية

الجزء الأول

رسائل الماجستير

مطبعة جامعة عين شمس  
١٩٧٢

IRCI CA: 9650/1

17 HAZIRAN 1996



rise in the east, so do you cause it to come up from the west.' Thus the disbeliever was confounded. And God guides not wrongdoing people" (2:258).

This technique and method of preaching (or teaching) is natural and more likely to be effective for it abodes irrelevant and unnecessary discussion. The same method was adopted by the Prophet Moses when he was confronted with Pharaoh: And invited him to the Lord of the Worlds.

"Pharaoh said, 'And what is the Lord of the Worlds?' Moses said, 'The Lord of the heavens and earth, and all that is between, if you had but sure belief.' (Pharaoh) said to those around him, 'Do you not hear?' Moses said, 'Your Lord and the Lord of your fathers'. (Pharaoh) said, 'Truly your Messenger who has been sent to you is indeed a madman!' Moses said, 'Lord of the east and the west and all that is between them, if you did but understand.' (Pharaoh) said, 'If you choose a god other than me, I will certainly put you in prison'. Moses said, 'Even if I show you something clear and convincing?' (Pharaoh) said, 'Show it then, If you are of the truthful!' Then Moses threw his rod, and behold, it was a serpent manifest. And he drew forth his hand, and behold it was white to all beholders!" (26:23-33).

This line of argument in teaching (or preaching) has provided unlimited fields of research in methodology to the scientists and now it is left to them to discover and unveil oceans of knowledge yet hidden from mankind.

#### Bibliography

- Arberry, Arthur J., *The Koran Interpreted*, London, George Allen and Unwin Ltd., 1955.  
 Gibb, H.A.R., *Mohammedanism*, Oxford University Press, 1969.  
 Goitein, S.D., *Studies in Islamic History and Institutions*, Leiden, E.J Brill, 1966.

Jansen, J.J.G., *The Interpretation of the Qur'an in Modern Egypt*, Leiden, 1974.

Muir, William, *Life of Mahomet*, 1st edition in four Vols, London, Smith, Elder & Comp., 1861.

— N. Hanif

### The Environment

In the Islamic world-view, God is the ultimate Reality. He has created the universe to manifest Himself. There is a fine order and balance in the cosmos and everything in it is pliant to Divine Laws, man, *Homo Sapiens*, is one among His infinitesimal creations. It is so ordained that man is created on the earth, a planet in the solar system of a star one among innumerable ones.

In true sense, man is the product of nature. He is created in the best of moulds and given faculties and organ systems which elevate him to the most advantageous place in the biosphere. In the giant ecosystem of the earth, man is at the top of the energy pyramid. He has abilities not only to harness natural resources of his biosphere but also to discriminately intervene in the foodweb and material cycles.

After several other creatures man emerges in the biosphere as its inheritor, the *khalifa*, as is said in *the Qur'an*:

"Behold, thy Lord said to the angels;  
 I will create a vicegerent on earth" (2:30).

Man is given knowledge of the nature, perpetual guidance and freewill to play his role as the wise inheritor of earth. God has subjected (*sakhhara*) nature to man as pointed out in the Qur'anic verse: "Hast thou not seen how God has subjected to you all that is in the earth" (22:65), so that man can develop his life freely

on earth. However, man also possesses inherent weaknesses, urges, and difficulties in comprehending the real purpose and source of natural forces which often lead man to frustration, perversion and confusion, something fatal to his progress and survival as *khalifah* on earth.

In the Islamic world-view, everything subjected to man is not his property but a trust bestowed to him for a purpose. Therefore, he must use the trusted resources not according to his whims and wishes but in a same way. On the one hand, he has an inherent right on the nature subjected to him while on the other the rights of various things around should also be acknowledged and given into practice by him. He is bestowed the treasure to use it wisely but not to misuse or disuse it in a silly way. Though, he is a wise inheritor on earth having a freewill to act but he is desired to behave modestly like an obedient servant of God in tune with other creatures.

The man is having obligations not only to nature but also to his own kind. Human life is highly valued by the God. In His view unjust killing of one soul is tantamount to killing the whole mankind, as is mentioned in *the Qur'an*:

"If anyone kills a person,  
 Unless for just purpose,  
 It would be as if he slew the whole people  
 And if anyone saved a life  
 It would be as if he saved  
 The life of the whole people" (5:32).

Therefore, his 'toil and struggle' (Kabad) in the world should neither disturb the natural environment nor cause slightest harm to the mankind.

#### The Natural Environment of Man

The position of man in the biosphere is shown in *the Qur'an* in the following words:

"It is We who placed  
 You (man) with authority  
 Oh earth, and provided  
 You therein with means  
 For fulfilment of your life" (7:10).

Therefore, the entire biosphere and perhaps beyond is a working ground for man wherein man can fulfil his life. Therefore, man is constantly persuaded in *the Qur'an* to understand the nature of things, discover the bounties of God spread in the universe and reflect the purpose of creation so that he could be benefitted from the nature.

God has created the heavens and the earth in the proportions (6:73) and everything in the nature is in due balance so that man may not transgress various limits inadvertently. *The Qur'an* adorn this Divine Grace as:

"And the Firmament has He  
 Raised high, and He has set up  
 The, Balance  
 In order that ye may  
 Not transgress (due) balance" (55:7-8).

Various discoveries about the nature explicitly indicate towards this golden mean of Nature. Man has high above head 'seven skies' which remind man of the greatness of the Supreme Artisan. The reference of the seven skies may perhaps indicate towards the troposphere, stratosphere, mesosphere, thermosphere, solar system, milky way and the infinite space, each with different natural property as is said in *the Qur'an*, "Seven firmaments one above the other, no want to proportion" (67:3). The troposphere is very important for the water cycle (30:41). Moreover, *the Qur'an* points out the opening of the sky as if there were doors (78:19) and that the protective canopy of the sky would be vanished (40:61-64). It will be in the form of wrath perhaps may be due to depletion of the ozone layer or something else. The importance



# رَأْحَةُ الْعَقْلِ

للداعى أحمد حميد الدين الكرمانى

تحقيق وتعليق  
الدكتور مصطفى غالب

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Demirbaş No:	21679
Tasnif No:	297-4 KIR-R

دار الأندلس

للطباعة والنشر والتوزيع - بيروت

1983

Tabiat (269 vd.)

26 ARALIK 1995

## المشروع الأول

« في ماهية الطبيعة ، وأنها بذاتها في عالم الجسم من جهة جوهرها  
شيء واحد ، ومن جهة أفعالها في موادها أشياء كثيرة ،

قد قلنا في سبق إن العقول البرية والذوات المتعالية لما حصل  
الشيء الذي هو الهيولى في الوجود لا عن قصد من الإبداع لوجود  
عنه<sup>(١)</sup> العلة التي شرحناها ، ولم يكن له من الشرف<sup>(٢)</sup> ما لغيره من  
العقول القائمة بالفعل المنبعثة عن النسبة الأشرف التي في الإبداع الذي  
هو المبدع الأول أقبلت العناية الإلهية الجارية في الكل عليه فكان منه  
بسطوح أنوارها فيه ما أمكن أن يكون منه على مراتبه في الشرف .  
ونقول : إن ذلك<sup>(٣)</sup> الموجود الذي هو الهيولى كان شيئاً واحداً إذا جزمنا  
في ذاته بها وجوده ، منقسم كل جزء منها إلى أقسام لها اسم واحد على  
العموم وأسماء كثيرة يختص كل واحد بكل قسم ، قسم منها<sup>(٤)</sup> على  
الخصوص ، ولكل جزء نسبتان نسبة بإضافته إلى ما عنه وجوده من  
عالم الإبداع الذي هو المبدع الأول بها هو واحد ، وذلك من جهة  
جوهره ، وبها تعلم ماهيته . ونسبة بإضافته إلى الموجودات التي به  
وجودها بها هو كثير ، وذلك من جهة أفعالها فيها : فالجزء الأول إذا  
نسب إلى ما عنه وجوده<sup>(٥)</sup> سلوكاً طريق الإحاطة بماهيته فهو حياة

١ - سقطت في ك  
٢ - في ن : وجده

١ - في ك : منه علة  
٢ - في ن : من شرف  
٣ - سقطت في ن

10 2 TEMMUZ 1993

Tabiat

107 # 123

İnsan Yayınları 61  
kaynak eserler 4/4

özgün adı  
a history of muslim philosophy  
wiesbaden, 1963-1966 (2 cilt)

dizgi  
ertaş yazı merkezi  
baskı  
eko matbaası  
cilt  
kurtuluş mücellithanesi  
tashih  
salih mercan  
iç düzen  
fikret tokcan - recep ertaş - mehmet ertaş  
kapak  
çetin şimşek  
kapak baskısı  
orhan ofset

ISBN 975-7732-04-4 (Tk. No)  
ISBN 975-7732-21-4 (Cilt No)

insan yayınları  
klodfarer cd. 27/5 türbe - istanbul  
tel: 516 08 28 - 518 08 78

# İslam Düşüncesi Tarihi

Editor: M.M.Şerif

Cilt 4

Tarandı  
R. Kuntulu

Türkçe Baskının Editörü  
MUSTAFA ARMAĞAN

Türkiye Diyanet Vakfı İslam Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Demirbaş No:	17234
Tasın No:	181.2 İSL.D

insan yayınları

İstanbul - 1991

## TABIAT TARİHİ

A

Metafizikî ve dinî kaidelere önem verilen ve ilahî vahye inanılan herhangi bir geleneksel medeniyetteki ilimleri gözönüne getirerek, İslâm âlemindeki ilimlerin, İslâmın ana doktrini olan *tevhidî* daima aksettirdiklerini daha kolay idrak edebiliriz. İslâm camiasındaki dinî ve ahlâkî ilimlerin tevhid fikrine yöneldikleri sıralarda tabiat ilimleri, bütün yaratılmış varlıkların karşılıklı münasebetlerinde gizlenen sırrı keşfetmeye çalışmaktaydı. "Bütün varlıkların birliğini tarif etmeye çalışmak, tüm Ortaçağ kozmoloji<sup>1</sup> ilimlerinin ortak özelliğidir. Bilhassa, İslâm camiasındaki tabiat ilimlerinde bu gaye ana hedefi teşkil etmiştir ve tabiattaki birlik fikri ve kâinattaki bütün parçaların karşılıklı münasebetleri hakkındaki görüş, yaratıcının eşsizliğinin tamamlayıcı ve zaruri bir neticesi olarak ortaya çıkmıştır.

Bir ilmi tahsil etmenin meşru ve en manalı yolu, o ilmin, nihai hedefine ve ona katkıda bulunanların fikirlerine değer vermektir. İslâm âlemindeki ilimler analitik ve niceliksel olan modern ilimlerin tersine, tabiatı niteliksel ve sentetik bir tetkike alıp, tabii şekillerin arkasında gözlenen *tevhidî* aramışlardır. Bu yaklaşımı göz önünde bulundurursak, İslâm âlemindeki ilimleri daha iyi anlayabiliriz.<sup>2</sup>

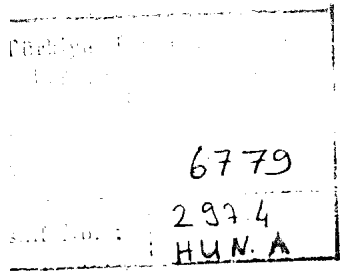
1- Kozmoloji bilimleri tabiriyle, tabiat bilimleri de dahil olmak üzere kâinatla uğraşan bütün bilimleri kastetmekteyiz. Geleneksel bilimler, aslında, Allah ve kozmos-üstü gerçeklikleri mevzu edinmiş metafizikî bilimler ile kâinattaki varlıklarla uğraşan kozmolojik bilimler diye ayrılmalıdır. Bkz. T. Burckhardt, "Nature de la perspective cosmologique", *Etudes Traditionelles*, c.X-LIX, 1948, s.216-19.

2- Bk. Seyyid Hüseyin Nasr, *Mentor Foundations of Scientific Thought*'un "Muslim Sciences" bölümünün girişi, c.II, Signet Books, New York, Ebû Yahyâ Zekeriyâ el-Kazvîni, *Acâib el-Mahlûkât* isimli meşhur eserinde, kâinattaki her atomun ve çeşitlilik arzeden bütün şekillerin içindeki ilâhî hikmetin bulunmasını, Allah'ın birliğinin bir teyidi olarak gördüğünü yazıp şu meşhur âyeti aktarmaktadır; "ve fi küllî şey'in lehu âyâtun ta'dullu 'ala ennehu vâhidun" (her şeyin içinde O'nun âyetlerinin mevcut olması O'nun birliğinin delilidir).

# العقيدة والمعرفة

المستشرق الألماني: زيفريد هونكه

ترجمة: عمر طفي العالم



دار القديسين  
للطباعة والنشر والتوزيع  
بيروت

١٤٠٧ - ١٩٨٧

Tabiat (80-102)

05 / ARALIK 1995

## مساءلة الطبيعة الأولى

حين نهبط من هذه القمة إلى هناك . حيث اتخذت الخطوات المتحفظة الأولى باتجاه العلم التطبيقي في أوروبا ، يبدو لنا جلياً ، في أي طريق شاقة ، فوق أي أرضية وعرة ، وفي أي رياح معاكسة كان عليه أن يسير . لم يكن بمقدورهم السير إلا في تفجر الوعي أمامهم ، خروجاً من السجن المحصن ، إلى الحرية الجذابة ، لاستعمال واستغلال الطبيعة استغلالاً طبيعياً . في أرض كان كل ما عليها مجهولاً ، وفي وقت ، لم تكن فيه بعد أي طريق قد عُبدتْ ، ولم يجز بعدُ تصنيع أداه أو حذاء عمل ، ولا يزال فيها الهدف والدرب المؤديان إليه غير واضحين . وستكون الشهود على الخطوات الملموسة الأولى ، ولعله الاحتجاج هو الذي عَجَّل بها . لقد وجَّه باديء ذي بديء ، وقبل أن يتوصل ارسطوطاليس إلى مقولاته الكبرى - ضد الايمان بالمعجزات التي خيمنت سحبتها الغيبية على الكائنات . والموضوع المفضل هو قصة الخلق في مطلع التوراة ، بالصورة التي نقلها اصحاب التعاليم الكنائسية ، كالكاثوليكي الاشبيلي المقدس إيسيدور<sup>(١)</sup> ، عن قصة أيام الخلق الست إلى شعوب أوروبا بالسنتهم الذرية ، في صيغة اختلط فيها الوحي الموسوي<sup>(٢)</sup> ( الشروح المستعارة ) مع العقليات . الآيات 6-7 الاصحاح الأول التكوين . وتكلم الرب : لتكن سترة بين المياه ، تفصل الماء عن بعضه . وجعل الله السترة ، وفصل المياه من فوقها عن المياه من تحتها .

ما الذي صنعه أسقف اشبيلية ، بما سبق ؟

أما أن سماء ممتلئة بالماء توجد فوق قبة السماء ، وفوقها أجرام سماوية تدور بسرعة كبيرة ، فهو مما لا يرقى إليه شك . لكن السؤال الذي يطرح نفسه : كيف تتمكن المياه هنالك من الثبات ، خاصة وأن الحركة تعمل على انتشارها ؟ لقد عثر ( إيسيدور ) على تفسير ممكن لظاهرة فيزيائية لا مثيل لها بالنسبة إلى المسيحيين المؤمنين : معجزة إلهية . وكان الحل بذلك بسيطاً وشبه متكامل :

(١) Isidor ، قديس كاثوليكي (١٠٧٠ - ١١٣٠) .

وذاك الذي قدر على خلق كل شيء من لا شيء ، ليس بقادر على امسك الماء في السماء وقد منحه صلابة الحديد ؟! - هذه العقبة يمكن أن تحل بالمشيئة الالهية . وبإرادة الله ، تظل المياه عالقة في مكانها ، بحيث تؤدي عملاً يجمله الناس . في هذا السياق ترتفع ثلاثة أصوات ، تحاول تفسير كلمة الانجيل هذه بأسلوب جديد . هنا نشاهد كيف تحلُّ آراء نظرية ومعارف عملية عوضاً عن الحقائق السماوية وإن كان ذلك بمقدار ضئيل . فبعد إريوجينا بوقت قصير ، كتب احد المجهولين ، وكان يتطلع إلى شد الانتباه باستعارة اسم لشخصية مرموقة على غرار اسم الافلاطونية المسيحية الجديدة (PSEUDO-DIONYSIUS)<sup>(١)</sup> ، حيث زين بحثه في حديثه عن العالم العلوي والأرضي باسم الانجليزي بيدرا فينيرابيليس Beda Venerabilis<sup>(٢)</sup> ، ذائع الصيت . في هذا المؤلف يسيطر جو مختلف . فبدلاً من الشروح الرمزية والمجازية والاحتكام إلى المخطوط ، ومعلومات القوائد الساذجة ، كحل تفسيرات واضحة طبيعية تعتمد على المحاكمة والملاحظة والتجربة .

وفي الوقت الذي تعتمد فيه نظرية بيدرا جملة الانجيل في طريقة الخلق ، يقترح ثلاث افتراضات فيزيائية ، ليس فيها شك في الوحي . والحل الأول منها هو الجدير بالاهتمام ، إن هذا الماء يدور بسرعة هائلة بحيث لا يمكن سقوطه ، وفي وسع كل إثباته بإجراء تجربة على برميل مملوء بالماء . ويقدر ما يدار البرميل بسرعة ، فإن احتمال سقوط الماء يصبح أقل . « وهذه الملاحظة ، سبق وان أجريت في اليونان ، والسؤال الهام ، ما إذا كان المخطوط قد تسرب إلى يد القائلين بها مؤخراً » .

أما الفرضية الثانية ، فتعتمد أيضاً على دوافع طبيعية . وهي أن السماء فوق السماء ، تكون على شكل بخار كالذي نرى في السماء من سحب . ويستخلص في الختام ، أنه بحكم بعد الشمس ، والتي تعتبر المصدر الرئيسي

(١) سبق تعريفها .

(٢) قديس كاثوليكي (٦٧٢ - ٧٣٥) .

Tabiat (79 vd)

Tarar  
A-4/2002

DIA  
Cilt/Levce/ah

جامعة الأزهر  
كلية أصول الدين  
قسم العقيدة والفلسفة

(( الكتاب الثاني ))

الطبعة

مؤلف

أبني البركات البخاري  
من الفلحة المشايخ

(( رسالة ))

للحصول على الدكتوراه

اعداد

الدكتور: أحمد محمد الطيب

اميراني

فضيلة الامتاز الدكتور / عوض الله حجازي

الامتاز بالدراسات العليا بكلية الشريعة  
بجامعة القاهرة

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Demirbaş No:	17695
Tasnif No	181.2 TAY.M

جامعة الأزهر  
المكتبة  
كتب أصول الدين

20 TEMMUZ 1994

الفصل الاول : الحركة  
الفصل الثاني : الكيان  
الفصل الثالث : الزمان

<sup>9</sup>See Daly, *Beyond Growth*, 50ff.

<sup>10</sup>Janet N. Abramowitz, "Valuing Nature's Services," *State of the World 1997*, ed. Lester R. Brown et al. (New York: W.W. Norton, 1977).

<sup>11</sup>Ibid., 109.

<sup>12</sup>Bangladesh, a country that may well be flooded through global warming, produces a yearly average of 183 kg of carbon dioxide per capita versus an average of 11,389 kg per capita in the industrialized countries. United Nations Development Programme, *Human Development Report 1998* (New York: Oxford University Press, 1988), 57.

<sup>13</sup>*Intergovernmental Panel on Climate Change: Second Assessment—Climate Change 1995*, published by the World Meteorological Organization and the United Nations Environmental Programme. It should be noted that this report was the consensus of 2,500 weather scientists and was published without a dissenting minority report. Since that time, its results have been confirmed by recent studies.

<sup>14</sup>Costanza et al., *An Introduction to Ecological Economics*, 179.

<sup>15</sup>If all contemporary understandings of Christ should be grounded in historical judgments about Jesus of Nazareth—if there should be continuity between the Jesus of history and the Christ of faith—then we need to see if the ecological economic context is an appropriate one for interpreting Christ and Christian discipleship for the twenty-first century. I am not suggesting that a Christian's faith is based on the state of historical Jesus research at any particular time; nonetheless, Christianity has always claimed continuity with its founder. Recent research, which has moved out of narrow church contexts of interpretation to sociological, cultural, and political ones of first-century Mediterranean society, has reached a remarkable consensus on some broad outlines of Jesus' life: most notably, that he was a social revolutionary opposed to the structures of domination and domestication of his day. This consensus is expressed in different ways by New Testament scholars such as E. P. Sanders, Burton Mack, Elisabeth Schüssler Fiorenza, Marcus Borg, John Dominic Crossan, and Richard Horsley. For an overview of the scholarship, see Borg, *Jesus in Contemporary Scholarship*.

<sup>16</sup>John Dominic Crossan, *Jesus: A Revolutionary Biography* (San Francisco: HarperSanFrancisco, 1994).

<sup>17</sup>Ibid., 73–74.

<sup>18</sup>Ibid., 68.

<sup>19</sup>Ibid., 113–114.

<sup>20</sup>See *ibid.*, 79–81.

<sup>21</sup>See letter of 30 April 1944 in Dietrich Bonhoeffer, *Letters and Papers from Prison* (London: Collins, 1960), 90ff.

<sup>22</sup>Psalm 24:1.

DAEDALUS, vol: 130 / number: 4 (2001)

S. 141-177

0.1070

*Jabir*

## Islam and Ecology: Toward Retrieval and Reconstruction

A CONSIDERATION OF THE QUESTION of Islam and ecology ought to begin with one fundamental observation of a historical kind: in the construction of what we call the modern world, Islam has had only an indirect role to play. To be sure, one cannot possibly imagine, nor meaningfully speak of, the phenomenon generally known as the scientific revolution, or that which we refer to as the Renaissance, without keeping in view the formidable intellectual influence of Islam on Latin Christendom. But this legacy was appropriated—and here we see the complexities and ironies of the historical process—in ways that often were alien to the world of Islam itself. The reception in both the Islamic and Christian worlds of the work of the towering giant Alhazen (Ibn al-Haytham, d. 1038), or that of the great Avicenna (Ibn Sīnā, d. 1037), constitutes a case in point. Alhazen, who revolutionized the field of optics, was ignored in the Islamic world even as he became a central scientific figure in the West. Avicenna, an outstanding philosopher and physician, was *the* medical authority in Europe well into the early seventeenth century; but his system was developed on highly abstract mystical-spiritual lines in Islam, where he was often seen more as a "Visionary Reciter"<sup>1</sup> than a Hellenized rational thinker. Indeed, it is the Latin career of these figures that endured in the modern world, not the elaboration of their thought by latter-day Muslims.

I use the term "modern world" in its standard sense—signifying both the world-system and the worldview that began

S. Nomanul Haq is a visiting assistant professor at the University of Pennsylvania.

18 MAR 2002

Tabiat

## العلوم البيئية

جديدة، انتصاراً على الطبيعة، أو قهراً لها وهيمنة عليها.

ولقد صور القرآن الكريم في كثير من آياته الكريمة حقيقة هذه العلاقة الحميمة بين الإنسان باعتباره أحد مكونات البيئة وعناصرها، بل هو المؤهل للإفادة من بقية المكونات والعناصر بما منحه الله من خصائص وملكات ومميزات تجعله الكائن الحضارى الوحيد، وبين البيئة باعتبارها الإطار الذى يعيش فيه الإنسان ولا يستغنى عنه لاستمرار حياته. وأخبرت هذه الآيات الكريمة بأن كل مكونات البيئة فى هذا الكون الفسيح قد أعدّها الخالق اللطيف لتكون على أعلى درجة من الاستعداد والصلاحية لاستقبال الحياة وكفالة الأحياء. فأقوات الأرض مقدره فى تربتها وجوفها وأجوائها منذ خلقها الله سبحانه وتعالى وأعمل فيها حكمته حتى أصبحت مهياً لحضارة الأحياء وإقائتهم، وما يزال البشر عيالاً على هذه المدخرات يكتشفون منها كل يوم جديداً بإذن الله. وطاقة الشمس والقمر والنجوم تمد هذه الحياة بالقدر المطلوب من الحرارة والنور

شاءت إرادة الخالق العليم أن تبين لنا من خلال التوازن البيئى ووحدة النظام الكونى استمرارية المواد كأشياء وتكرر الحوادث والظواهر كعلاقات سببية لنراقبها وندركها وننتفع بها فى حياتنا الواقعية، بعد أن نقف على حقيقة سلوكها ونستدل بها على جلال الله وقدرته ووحدانيته.

وإذا كان علم البيئة (أو الايكولوجيا Ecology) يُعنى - حسب تعريفه العلمى - بدراسة العلاقة المتبادلة بين الكائن وبيئته المحيطة به، فإن أهم ما يميز علاقة الإنسان بالبيئة فى عرف الإسلام هو أنها علاقة توازن وألفة وانسجام لصالح الحياة والأحياء، بما فيهم البشر الذين هم قمة الأحياء، وليست أبداً علاقة حرب وقلق وتنافر وعداء وصراع كما يقول بعض الماديين من الطبيعيين Naturalists الذين يزعمون أن العالم الطبيعى وجد نفسه دون علة خارجة عنه، ويتعاملون مع بعض الظواهر الكونية على أنها كوارث طبيعية خالية من أى خير، ويعدون كل كشف لقانون من قوانين الكون، وكل تسخير لطاقة من طاقاته، وكل اختراع لتقنية متقدمة

Tarandı  
A. Yücel

﴿تسع﴾

# رسائل

﴿في الحكمة والطبيعات﴾

﴿تأليف الشيخ الرئيس ابي علي الحسين بن عبد الله بن سينا﴾

﴿وفي آخرها قصة سلامان وابسال﴾

﴿ترجمها من اليوناني حنين بن اسحاق﴾

﴿حقوق الطبع عائدة الى ادارة الجوائب﴾

﴿الطبعة الاولى﴾

﴿طبعت بمطبعة الجوائب﴾

﴿قسنطينية﴾

سنة

١٢٩٨

Türkiye Diyanet İşleri  
İslâm Ansiklopedisi  
Kütüphanesi

Kayıt No. :

9561

Tasnif No. :

181.2  
SIN-T

Diajnah tarand...

Al Demirci

الطبيعة في القرائن الكبرى

Tabiat (Kafak)

الدكتور

كاسيد ياسر الزبيدي

20 MAY 1991

صدر لمناسبة القرن الخامس عشر الهجري

Türkiye Diyanet İşleri İslâm Araştırmaları Enstitüsü	
Kayıt No. :	11153
Tasnif No. :	181.2 ZEY.T



1. Bu makale 155-170 sayfaları arasındadır.

2. Ans. ttp'sinde mevcuttur.

- Aristo  
- Tabiat

## ARİSTO'DA TABİAT FELSEFESİ\*

W. D. ROSS'DAN ÇEVİREN

S. HAYRİ BOLAY

Tasnifini Aristo'ya borçlu olduğumuz ilimleri o, kendi bilgisini araştıran nazari ilimler, ilerlemede rehberlik yapabilecek bilgiyi hedef alan pratik ilimler, faydalı ve güzel şeyleri imal etmekte kullanılacak bilgiyi elde etmeye çalışan prodüktif ilimler halinde üçe ayırmaktadır. Nazari ilimler "teoloji" (yahut metafizik), fizik ve matematik halinde alt bölümlere ayrılır. Fizik ayrı bir varlığa sahip fakat değişmez şeylerle (yâni kendilerinde hareket ve sükûnun bir kaynağına sahip olan "tabii ilimler"le); matematik ilimler değişmez fakat ayrı bir varlığa sahip olmayan (yâni cevherleri vasıflandırıcı olması hasebiyle ancak sıfat olarak var olan sayılar ve mekâna ait şekillerle); teoloji (ilâhiyat) ise aynı zamanda hem ayrı bir varlığa sahip hem de değişmez olan (yani madde ile hiç bir bağı olmadan var olan cevherlerle) uğraşır. O, ilâhiyat ismini sırf cevherler arasından başlıcasının Allah olmasına borçludur.<sup>1</sup> Varlıktan geldiği gibi bilinen "Fizik", Aristo'nun eserlerinin uzun bir serisinin konusunu teşkil eder. Bu eserlerin neden birlik teşkil eder şekilde anlaşılmalı olmaları *Meteorologica*'nın başında gösterilmiş olmasındandır; Aristo orada: 1- Tabiatın ilk sebeplerini (yani Fiziğin I ve II kitabında her değişmeyi içine aldığı gösterdiği terkihi unsurları) ve genel olarak tabii hareketi (Fizik III, IV), 2- Yıldızların düzeni ve hareketini (Gök Hakkında I ve II), arza ait unsurların adet ve mahiyetini, birbirlerine dönüşmelerini (Gök Hakkında III ve IV). 3- Genel olarak varlıkların meydana geliş ve yok oluşlarını (Oluş ve Yok Oluş -Kevn ü Fesat adlı eseri) ele almak suretiyle izah eder. O ayrıca şunları da: 4- "Yıldızların hareketine daha yakın bir bölgede, tabiatta vukubulan, fakat ilk unsur (yahut semavi

\* Tercümesini yaptığımız bu kısım, W. D. Ross'un 1930 da Paris'te fransızca olarak yayımlanan "Aristote" adlı eserinin 90-116 sayfaları arasındaki bahislerdir. Tercümeyi kontrol etmek lütfünde bulunan sayın Profesör Mehmet Karasan Bey'e teşekkürlerimi sunarım.

S. Hayri Bolay

1 Met. 1025 b. 18-1026 a 19.

Aristoya göre en üstün ilim en üstün cinsi konu edinmelidir. Böylece teoretik ilimler, bütün ilimlerin en yükseği, teoloji de bu ilimlerin en yükseğidir. (çeviren) (Met: 1026a 21 22.

Makale ARİSTO posetindedir



انتشارات دانشگاه تهران

۸۹۰



# نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت

خلاصه‌ای از آثار اخوان صفا و بیرونی و ابن سینا راجع به جهان

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi kütüphanesi	
Demirbaş No:	1 49872
Tasnif No:	523.101 NASN

قلم

دکتر سید حسین نصر

دانشیار دانشکده ادبیات تهران

۱۳۴۲

چاپخانه دانشگاه تهران

✓ Tabiat

24 KASIM 1993

32/3  
 Iqbal Review, October 1991, Lahore 5.19-44

## THE ATOMISTIC CONCEPTION OF NATURE IN ASH'ARITE THEOLOGY

Tabiat  
 Research

1993

Osman Bakar

### Committed to Serious Research and Scholarship The American Journal of ISLAMIC SOCIAL SCIENCES

Subscription requests may be sent to the following distribution agencies. For information on special rates in lieu of exchange rates please contact the designated agencies below. (Payment may be made in local currency). Effective 1/1/90, AJISS will be published in March, September, and December. Subscriptions run for one calendar year.

**AJISS (USA & Canada)**  
 P.O. Box 609  
 Herndon, VA 22070, USA  
**Distributors:**

**Bangladesh**  
 Dr. Syed Abdullah M. Taber  
 House No. 12, Rd. No. 4A (New)  
 Dhanmondi R/A, Dhaka

**Egypt**  
 IIT Office  
 26-A Al-Gazira Al-Wasta Street  
 Zamalek, Cairo

**India**  
 Institute of Objective Studies  
 Post Box No. 5725  
 Muradli Road, Badli House  
 Jamia Nagar, New Delhi 110025

**Jordan**  
 Dr. Fathi Malkawi  
 Dept. of Education  
 Yarmuk University, Irbid

**Kuwait**  
 Scientific Research House  
 P.O. Box 2857, Safat 13029

**Malaysia**  
 Anwar Al Tahir  
 3402 Jalan Ampang, Hilir 2  
 Kuala Lumpur 55000

**Morocco**  
 Mohamad Al-Makki Al-Wazzani  
 P.O. Box 407  
 Abdullah Bin Yasin Street No. 1, Tutovan

**Pakistan**  
 IIT Office  
 28, Main Road  
 F-10/2 Sector, Islamabad

**Qatar**  
 Umar Obaid Hassana  
 P.O. Box 893, Doha

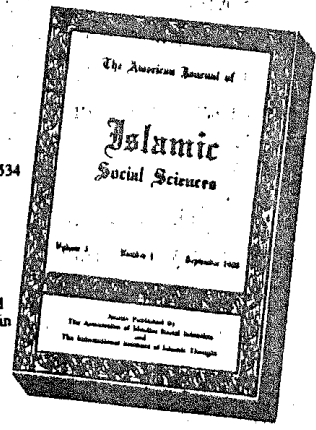
**Saudi Arabia**  
 International House  
 for Islamic Books  
 P.O. Box 55195, Riyadh 11534

**Sudan**  
 Abdalla Makki Sadiq  
 IIT Office  
 P.O. Box 4375, Khartoum

**Trinidad**  
 Islamic Missionaries Guild  
 P.O. Box 800, Port of Spain

**Turkey**  
 Shamil Shaheen  
 P.K. 122, Uskudar  
 Istanbul

**United Kingdom**  
 Muslim Information Services  
 233 Seven Sisters Rd.  
 London N4 2DA



*The American Journal of Islamic Social Sciences (AJISS) is published by the Association of Muslim Social Scientists (AMSS) and the International Institute of Islamic Thought (IIT). The Journal wishes to serve as a bridge between Muslim intellectuals and scholars all over the world to effect the development of a scientific approach in the fields of Islamic social sciences and human studies.*

Country	Institutions	Individuals	Students	Name _____
USA/Canada	\$45	\$30	\$30	Profession _____
Bangladesh	Rs 375	Rs 225	Rs 100	Address _____
Caribbean	\$45 (T.T.)	\$30 (T.T.)	\$25 (T.T.)	_____
Egypt	E £ 35	E £ 20	E £ 15	City _____ Country _____ Zip _____
India	Rs 375	Rs 225	Rs 100	Enclosed is my check for a _____ year subscription
Jordan	D 8	D 5	D 4.5	in the amount of _____
Morocco	DR 180	DR 120	DR 100	
Pakistan	Rs 375	Rs 225	Rs 100	
Malaysia	M \$45	M \$24	M \$15	
Saudi Arabia	SR 180	SR 120	SR 100	
Sudan	S £ 45	S £ 30	S £ 25	
Turkey	TL 18000	TL 9000	TL 6000	
U.K.	£ 45	£ 30	£ 25	

## جانماز

۴۷۹-۴۲۲

شهرستان رامهرمز ذکر شد (ایران. وزارت کشور. معاونت برنامه‌ریزی و خدمات مدیریت، ص ۵۰-۵۱). با تشکیل شهرستان باغ ملک در ۱۳۶۹ ش، دهستانهای بخش جانکی جزو بخش مرکزی این شهرستان شدند (ایران. وزارت کشور. معاونت سیاسی، ۱۳۸۲ ش ب، ذیل «استان خوزستان»). از جمعیت طایفه جانکی، به سبب آمیخته شدن آنان با ساکنان دیگر مناطق، برآورد دقیق ممکن نیست (برای برخی اطلاعات درباره جمعیت جانکی ← صفی‌نژاد، ص ۲۸۹-۳۱۴). در سرشماری عشایری ۱۳۷۷ ش، نامهای بهمنی و بختیاری به عنوان جمعیت عشایری دهستانها در شهرستانهای ایذه و باغ‌ملک ذکر شد ولی از جانکی نامی برده نشد (← مرکز آمار ایران، ص ۷۳-۷۴).

حسن فسانی، *فارسنامه ناصری*، چاپ منصور رستگار فسائی، تهران ۱۳۶۷ ش؛ جهانگیر قائم‌مقامی، «عشایر خوزستان: قبائل جانکی»، یادگار، سال ۳، ش ۳ (آبان ۱۳۲۵)، ش ۵ (دی ۱۳۲۵)، ش ۹ (اردیبهشت ۱۳۲۶)، ش ۱۰ (خرداد ۱۳۲۶)؛ جرج ناتانیل کرزن، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران ۱۳۶۲ ش؛ اوستن هنری لایارد، *سفرنامه لایارد*، یا، ماجراهای اولیه در ایران، ترجمه مهتاب امیری، تهران ۱۳۶۷ ش؛ مرکز آمار ایران، *سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده ۱۳۷۷*؛ جمعیت عشایری دهستانها، کل کشور، تهران ۱۳۷۸ ش؛ عبدالغفاربن علی محمد نجم‌الدوله، *سفرنامه خوزستان*، چاپ محمد دبیرسیاقی، تهران ۱۳۴۱ ش.

/ معجد عبداللهی /

## جانماز ← سجاده

## جان محمد قادری ← قادریه

## جان محمد لاهوری ← لاهوری، جان محمد

## جانور / جانورشناسی

این مقاله شامل این بخشهاست:

(۱) بحثهای واژه‌شناسی و ادبیات

(۲) جانورشناسی در میان مسلمانان

(۳) جانوران ایران

(۴) جانوران سرزمینهای اسلامی

(۱) بحثهای واژه‌شناسی و ادبیات. این بخش شامل این

قسمتهاست:

الف) در زبان فارسی

ب) در ادبیات زردشتی

ج) در ادبیات فارسی

د) واژگان در عربی

ه) در ادبیات عرب

و) در ادبیات و فرهنگ ترکی زبانها

الف) در زبان فارسی. واژه جانور در فارسی عموماً بر هرگونه ذی‌روح (جاندار؛ ← مکنزی<sup>۱</sup>، ص ۲۲۴. در فارسی میانه (gyānwar) اطلاق می‌شده که این معنی ناظر به کاربرد واژه جان در معنای روح است (برای بحث درباره اشتقاق واژه جان و تطور واژگانی آن در زبانهای اوستایی و فارسی میانه ← جان<sup>۲</sup>\*)، اما روشن نیست که از چه زمانی واژه جانور تنها در معنای «حیوان» در فارسی به کار رفته است (برای شواهد

منابع: اسکندرمنشی؛ اعتمادالسلطنه؛ بدالله افشین، رودخانه‌های ایران، تهران ۱۳۷۳ ش؛ احمد اقتداری، خوزستان و کهگیلویه و مسمنی: جغرافیای تاریخی و آثار باستانی، تهران ۱۳۵۹ ش؛ محمدعلی امام شوشتری، تاریخ جغرافیائی خوزستان، تهران ۱۳۳۱ ش؛ ایران. قانون تقسیمات کشوری آبان ۱۳۱۶، قانون تقسیمات کشور و وظایف فرمانداران و بخشداران، مصوب ۱۶ آبان ماه ۱۳۱۶، چاپ دوم، تهران [بی‌تا]؛ ایران. وزارت کشور، تقسیمات کشور شاهنشاهی ایران، تهران ۱۳۵۵ ش؛ ایران. وزارت کشور. اداره کل آمار و ثبت‌احوال، کتاب جغرافیا و اسامی دهات کشور، ج ۲، تهران ۱۳۲۹ ش؛ ایران. وزارت کشور. معاونت برنامه‌ریزی و خدمات مدیریت. دفتر تقسیمات کشوری، اجرای قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری، تهران ۱۳۶۶ ش؛ ایران. وزارت کشور. معاونت سیاسی. دفتر تقسیمات کشوری، نشریه اسامی عناصر و واحدهای تقسیماتی (به همراه مراکز)، تهران ۱۳۸۲ ش الف؛ همو، نشریه تاریخ تاسیس عناصر تقسیماتی به همراه شماره مصوبات آن، تهران ۱۳۸۲ ش ب؛ سی. باین و فردریک اوسه، *سفرنامه جنوب ایران*، ترجمه و تعلیقات محمدحسن‌بن علی اعتمادالسلطنه، چاپ میرهاشم محدث، تهران ۱۳۶۳ ش؛ شرف‌الدین بن شمس‌الدین بدلیسی، *شترنامه: تاریخ مفصل کردستان*، چاپ محمد عباسی، چاپ افست تهران [؟ ۱۳۴۳ ش]؛ عباس جعفری، *گیتاشناسی ایران*، تهران ۱۳۶۸-۱۳۷۹ ش؛ حمدالله مستوفی، *تاریخ گزیده*؛ کلمنت اوگاستس دوید، *سفرنامه لرستان و خوزستان*، ترجمه محمدحسین آریا، تهران ۱۳۷۱ ش؛ هنری کرزیک والینسون، *سفرنامه راولینسون: گذر از زهاب به خوزستان*، ترجمه سکندر امان‌اللهی بهاروند، تهران ۱۳۶۲ ش؛ رزم‌آرا؛ نیره‌زمان رشیدیان، *نگاهی بتاریخ خوزستان*، تهران ۱۳۷۱ ش؛ محمدتقی‌بن محمدعلی سپهر، *ناسخ‌التواریخ: تاریخ قاجاریه*، چاپ جمشید کیانفر، تهران ۱۳۷۷ ش؛ جواد صفی‌نژاد، *گرهای ایران: گر بزرگ، گر کوچک*، تهران ۱۳۸۱ ش؛ فرهنگ جغرافیائی آبادیهای کشور جمهوری اسلامی ایران، ج ۸: رامهرمز، تهران: سازمان جغرافیائی نیروهای مسلح، ۱۳۷۰ ش؛ حسن‌بن

Tabrat

## العلوم الطبية

النساء والتوليد، وطب الأطفال، والطب النفساني، والطب الوقائي، والطب البيئي، والطب الاجتماعي، والصحة العامة، وطب الأعشاب والعقاقير والأقربازين، والطب البديل وغيرها.

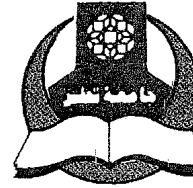
وعلوم الصيدلة تقتضى تحضير الأدوية وتركيبها والتعرف على صفاتها وخصائصها، وكيفية الحصول عليها، ومعرفة شوائبها وغشها، وطرق الحفاظ عليها دون أن يتطرق إليها الفساد، وكذلك طرق تعاطيها وتجهيزها فى أشكال وعلى هيئات تسهل تناولها وتؤكد مفعولها والاحتفاظ بخصائصها، وكذلك ما تصير إليه فى الجسم، وتأثيرها فيه، سليماً كان أو عليلاً، بالإضافة إلى تحضير الأدوية المركبة ودراسة توافقها أو عدم توافقها، وتقوية بعضها بعضاً، ولكى يتسنى استخدام الأدوية فى أغراض العلاج بحكمة وأمان لا بد من تفهم القواعد الأساسية التى تُبنى عليها طريقة فعلها.

وقد كانت نظرية الأخلاط الأربعة أحد المبادئ العامة المشتركة فى فلسفة العلاج عند الإغريق وأطباء وصيادلة المسلمين. لكن مسلمات هذه النظرية عند الإغريق كانت

حققت الحضارة الإسلامية انتشاراً ودواماً متلازمين، لم تحققهما أى حضارة أخرى عبر التاريخ، وكانت مصدر الإشعاع الوحيد الذى غمر بنوره كل أنحاء الدنيا فى العصور الوسطى، ولاتزال آثارها ومؤلفات علمائها خير شاهد على دورهم الريادى فى مسيرة التقدم العلمى والتقنى.

وفى مجال الطب والصيدلة كان لهؤلاء العلماء القدر المعلى، سواء فى فن الترجمة والتأليف، أو فى اتباع المنهج العلمى السليم، أو فى السبق إلى العديد من الاكتشافات التى قامت عليها العلوم الطبية والصيدلانية الحديثة، ولا يزال العالم ينعم بثمارها وفوائدها حتى اليوم.

والمداخل التالية تلقى الضوء على بعض ما يتضمنه التراث الطبى والصيدلى لعلماء الحضارة الإسلامية من نظريات وأفكار ومفاهيم ذات قيمة معرفية ومنهجية تشكل الأساس لكثير من المباحث العلمية الدقيقة التى تعامل اليوم كعلوم تخصصية فرعية شبه مستقلة، نظراً لاتساع دائرة البحث فى موضوعاتها، مثل: علوم التشريح، والجراحة، والطب السريرى، وطب الفم والأسنان، وطب



كلية الشريعة والقانون  
والدراسات الإسلامية



Tabiat

25 EKİM 2009

الطبيعة القانونية للاتفاق التحكيمي

:: دراسة مقارنة ::

تأليف

د. محمود عبدالرحيم الديب

الأستاذ المساعد بقسم القانون

كلية الشريعة والقانون والدراسات الإسلامية

جامعة قطر

08376



حولية  
كلية الشريعة والقانون  
والدراسات الإسلامية  
مجلة علمية محكمة

العدد الحادي والعشرون

١٤٢٤ هـ - ٢٠٠٣ م

٢٤٥-٢٧١

استجلاء هذه المواقف بشيء اكثر تفصيلا واكثر عمقا في دراسات تالية حتى تتضح الصورة العقلانية لمذهب ابن حزم الذي غطت عليه شهرته الظاهرية احقاقاً للحق وإنصافاً للرجل .

### أهم المراجع

- ١ - القرآن الكريم .
- ٢ - كتب الأحاديث .
- ٣ - المعجم المفهرس لألفاظ الحديث .
- ٤ - المحلى لابن حزم ط بولاق بالقاهرة .
- ٥ - الفصل في الملل والنحل لابن حزم ط المثني بغداد .
- ٦ - رسالة الرد على ابن النغيلة اليهودي لابن حزم بتحقيق احسان عباس ط دار العروبة بالقاهرة سنة ١٩٦٠ م .
- ٧ - رسالة الرد على الكندي لابن حزم تحقيق احسان عباس ط القاهرة سنة ١٩٦٠ م .
- ٨ - رسالة التلخيص لوجوب التخليص لابن حزم ط القاهرة بتحقيق احسان عباس .
- ٩ - رسالة التقريب لحد المنطق لابن حزم ط القاهرة دار العروبة .
- ١٠ - كتاب البرهان لابن حزم ط بيروت بتحقيق أمين عباس (طبع ضمن الرسائل) .
- ١١ - مجموعة رسائل ابن حزم ط بيروت بتحقيق احسان عباس .
- ١٢ - المنقذ من الضلال للغزالي ط القاهرة بتحقيق المرحوم دكتور عبدالحليم محمود .
- ١٣ - المستصفي في أصول الفقه للغزالي ط بيروت .
- ١٤ - محك النظر للغزالي ط الجندی بالقاهرة .
- ١٥ - معيار العلم للغزالي ط الجندی بالقاهرة .
- ١٦ - عيون الحكمة لابن سينا بتحقيق محسن مهدي ط المعهد الفرنسي بالقاهرة .
- ١٧ - الهداية لابن سينا بتحقيق المرحوم محمد اسماعيل عبده . ط دار العلوم بالقاهرة .

03375



Murteziye  
- Tabiat

## الطبيعيات وعلاقتها بالدين عند النظام المعتزلي

أ . د . محمد عبد الستار نصار  
رئيس قسم العقيدة والأديان  
كلية الشريعة والقانون والدراسات الإسلامية  
جامعة قطر

Mecelle-i Külliyyeti's-Şeria ve'l-Kanun ve'd-Dirasat-il-

İslamiyye, sy. 12, 1415/1995 Doha, ss. 197-230.

27 EKİM 2009

١ - تعريف: الطبيعة هي كل ما خلقه الله تعالى دون أن يكون لأحد دخل في إيجاده، كالهواء، والغابات، والأنهار والجبال والطير في الهواء وغيرها.

٢ - كونها مصدر الثروات: الطبيعة من خلق الله تعالى، وهي مصدر الثروات كلها، إذ كل ما تقع عليه حواس الإنسان مرده إلى الطبيعة، ودور الإنسان فيه ينحصر في تحويله من حال إلى حال، كتحويل فلزات المعادن إلى معادن ثم إلى أدوات معدنية، وتحويل الأشجار إلى أخشاب ثم إلى مكاتب وأبواب.

وإذا كانت الطبيعة هي مصدر الثروات للإنسان فمن الواجب على الإنسان أن يحافظ على هذه الطبيعة ويحمد الله تعالى على تسخيرها له، إذ كل إضرار بالطبيعة هو إضرار بالإنسان، وعلى هذا فلا يجوز تكسير أشجارها، ولا تغيوير مياهها، ولا إفساد هوائها ونحو ذلك.

٣ - ملكية الطبيعة: الطبيعة ملك لله تعالى، قال تعالى في سورة البقرة/ ١٠٧ ﴿أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ وقال في سورة آل عمران ١٠٩ / ﴿وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾، وقد أباح الله تعالى لمخلوقاته أن يأخذوا منها ما هم بحاجة إليه، مما يحقق لهم النفع، قال عليه الصلاة والسلام (الناس شركاء في ثلاث: في الماء والكلا والنار)<sup>(١)</sup>.



## منهج البحث في العلوم الطبيعية

- ٢٠٢١- أحمد، منتصر محمود مجاهد.  
أسس المنهج القرآني في بحث العلوم  
الطبيعية. (رسالة ماجستير، جامعة  
عين شمس، كلية البنات، ١٤١٢هـ-  
١٩٩٢م).  
٢٢٥- ٢٢٦ (أحمد فؤاد باشا).  
مجلة المسلم المعاصر. س١٦: ع٦٣  
(١٤١٢هـ- ١٩٩٢م) ص٢٢٥-٢٢٦.

٥٠٢٥٥